

Sociological Analysis of Domestic Violence against Children in the City of Ilam

Zahra Rezaeinasab *

Assistant Professor of Social Sciences,
Ilam University, Ilam, Iran.

Ali Faizolahi

Assistant Professor of Social Sciences,
Ilam University, Ilam, Iran.

Accepted: 9/9/2022

Abstract

Violence in society, especially in the family, is one of the acute social problems that is observed in all geographical areas and religious and racial groups and educational, occupational, economic and social levels. The purpose of this study is a sociological analysis of domestic violence against children in Ilam with a grounded theory approach. The study population includes all parents involved in the phenomenon of child abuse in Ilam. The sample size was 20, determined based on theoretical saturation, and the validity of the findings was provided by confirmation and matching with the opinions of expert judges and key informants. In this study, information was collected through in-depth interviews and semi-structured. Analysis of graduate interviews led to the formation of a conceptual framework in the form of causal conditions with the categories of "Low economic capital", "Corona and change in family lifestyle", "Family inefficiency", "Health status", background conditions in the form of "Generational conflict", "Parental anticipation tradition", "Gender inequality", "Another desire", and "Violence as a normative norm", Mediating conditions in the form of "Internet and changing habits", "Conflict of job-family roles", And the strategies of "despair", "punishment as education" and finally the category of negative individual consequence, "family-social consequence". Considering the relationship between the categories, finally the core category of "Structural deprivation" was extracted as a category explaining violence against children in the city of Ilam.

Review: 19/8/2022

Received: 5/4/2022

ISSN: 2476-6399

Keywords: Violence, Children, Grounded Theory, Structural Deprivation, Ilam City

eISSN: 2476-6380


* Corresponding Author: z.rezaeinasab@ilam.ac.ir


How to Cite: Rezaeinasab, Z; Faizolahi, A. (2022). Sociological analysis of domestic violence against children in the city of Ilam, *Journal of Social Work Research*, 9 (31), 119-170.



تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه کودکان

در شهر ایلام

زهرا رضایی نسب*  استادیار علوم اجتماعی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

علی فیض‌اللهی  استادیار علوم اجتماعی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

چکیده

خشونت در جامعه و به‌ویژه خانواده، از جمله مسائل اجتماعی حاد به شمار می‌رود که در سطح تمام مناطق جغرافیایی و گروه‌های دینی و نژادی و سطوح تحصیلی، شغلی، اقتصادی و اجتماعی مشاهده می‌شود. هدف از این تحقیق، تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه کودکان در شهر ایلام با رویکرد نظریه زمینه‌ای می‌باشد. جامعه مورد مطالعه پژوهش شامل کلیه والدین درگیر با پدیده کودک‌آزاری در شهر ایلام می‌باشد. حجم نمونه، ۲۰ مورد بر اساس اشباع نظری تعیین و اعتبار یافته‌ها از طریق تأیید و تطبیق با نظر داوران متخصص و مطلعین کلیدی تأمین گردیده است. در این پژوهش اطلاعات از طریق مصاحبه ژرفانگر و به‌صورت نیمه ساختاریافته گردآوری شد. تحلیل مصاحبه‌های خانواده‌های کودک‌آزار به شکل‌گیری چارچوب مفهومی در قالب شرایط علی با مقوله‌های «سرمایه اقتصادی پایین»، «کرونا و تغییر سبک زندگی خانوادگی»، «ناکارآمدی خانواده‌ها»، «وضعیت سلامت»، شرایط زمینه‌ای در قالب «تعارض نسلی»، «سنت پیشگی والدین»، «نابرابری جنسیتی»، «میل دیگری»، و «خشونت به‌مثابه هنجار رویه‌ای»، شرایط میانجی در قالب «ابتنرت و تغییر عادتواره»، «تعارض نقش‌های شغلی-خانوادگی»، و راهبردهای «یاس»، «تنبیه به‌مثابه تربیت» و بالاخره مقوله پیامد فردی منفی، «پیامد خانوادگی-اجتماعی»، انجامید. با در نظر گرفتن ارتباط میان مقوله‌ها، در نهایت مقوله هسته «حرمان ساختاری» به‌عنوان مقوله تبیین‌کننده خشونت علیه کودکان در شهر ایلام استخراج شد.

واژه‌های کلیدی: خشونت، کودکان، نظریه زمینه‌ای، حرمان ساختاری، شهر ایلام

مقدمه و بیان مسئله

سال‌های اولیه زندگی از مهم‌ترین دوره‌ها و اثر آن تا پایان عمر است. مفاهیم اولیه زندگی، اطلاعات و معلومات کودک در این دوره همانند بذرهایی هستند که در ذهن کودک کاشته شده و بعدها به صورت نهال درآمده و رشد می‌کند و میوه و ثمره‌ای تلخ یا شیرین از خود بر جای می‌گذارد. این‌ها همه در شکل‌گیری زندگی کودک و تعیین سرنوشت او مؤثر است. بنابراین خانواده نخستین نهاد جامعه‌پذیر کردن کودکان به‌ویژه در سال‌های حساس اولیه زندگی است. خانواده تحت شرایط صحیح کودکان را آماده می‌سازد تا توانایی‌های بالقوه خود را شناسایی کنند و به‌عنوان افراد بالغ نقش‌های سودمندی را در جامعه بر عهده گیرند (ستوده، ۱۳۹۳: ۵۰).

خانواده می‌تواند عامل سازندگی جسمی، روانی، عاطفی، ذهنی و... کودک باشد یا عامل ویرانی و نابودی آن. والدین باید بتوانند نیازهای فراینده کودک را دریافته و به آن پاسخ مناسب بدهند. میزان وابستگی و علاقه دوطرفه بین والدین و کودک، توانایی او را برای یادگیری و دانستن مطالب جدید افزایش می‌دهد. درحالی‌که بدرفتاری با کودک و عدم توجه به نیازهای او می‌تواند باعث ایجاد اختلالات روانی مانند پرخاشگری در بزرگسالی شود. کودکانی که با خشونت مواجه می‌شوند در معرض خطر رفتارهای غیرانطباقی هیجانی، اجتماعی، شناختی و جسمی قرار می‌گیرند (Jellen, 2001: 625). متأسفانه برای بسیاری از کودکان و نوجوانان این نخستین پایگاه به آموزشگاه خشونت مبدل می‌گردد، چرا که خشونت میان والدین و خشونت علیه فرزندان آموزه‌هایی برای این‌ها به همراه دارد (کارگری، ۱۳۸۶: ۱۴۱ به نقل از ایبسی، ۱۳۹۱).

در نتیجه خشونت با کودک شکلی از روابط و مناسبات کودکان با بزرگسالان و نهادهای اجتماعی است که در آن به دلیل موقعیت ضعیف کودکان و بی‌پناهی آنان یا ارزش‌گذاری متفاوت و نابرابر بین کودکان و بزرگسالان، قابلیت‌ها و حقوق و ارزش‌های کودکان به شکل‌های مختلفی از قبیل غفلت از کودکان و سوء رفتار با آنان

پایمال می‌شود. میزان واقعی رخداد خشونت علیه کودکان احتمالاً بیشتر از میزان‌های گزارش شده است زیرا بسیاری از کودکان که مورد آزار قرار می‌گیرند شناسایی نمی‌شوند و بسیاری نیز در گزارش دادن احتیاط می‌کنند موسسه مطالعاتی «گالوپ» در آخرین گزارش خود در سال ۲۰۱۷ (سال ۱۳۹۶) ایران را عصبانی‌ترین کشور جهان معرفی کرد و این کشور را در رتبه اول خشونت اجتماعی در دنیا قرار داد.

طبق داده آماری این موسسه، از میان ۱۴۲ کشور مطالعه شده جهان در سال ۲۰۱۷ به ترتیب ایران، عراق و سودان جنوبی عصبانی‌ترین مردم جهان را دارند. میزان مردم عصبانی این کشورها به ترتیب ۵۰ درصد (ایران)، ۴۹ درصد (عراق) و ۴۷ درصد (سودان جنوبی) است. رییس انجمن مددکاری ایران در سال ۱۳۹۶ اعلام کرد خشونت خانگی رتبه دوم و سوم را در پرونده‌های قضایی دارد. در خرداد ۹۹، عباس مسجدی آرانی، رئیس سازمان پزشکی قانونی، از افزایش ۱۲/۵ درصدی کودک‌آزاری خبر داد و گفت: «تعداد پرونده‌های کودک‌آزاری در ایران در سال ۱۳۹۸ رشد ۱۲/۵ درصدی در این زمینه را نشان می‌دهد»^۱ (سایت رویداد ۲۴، ۱۳۹۹).

استان ایلام یکی از استان‌های کشور است که متأسفانه آمار خشونت‌های خانگی به‌ویژه خشونت علیه کودکان در چند سال گذشته سیر صعودی داشته است. معاونت اجتماعی بهزیستی استان ایلام با بیان اینکه آمار کودکان آزاردیده مراجعه‌کننده به مراکز اورژانس اجتماعی بهزیستی در سال ۹۲ تعداد ۱۲ مورد و در سال ۹۳ تعداد ۲۳ مورد بوده است افزود: این رقم در سال ۹۴ به ۶۲ مورد افزایش یافته است. و در سال ۱۳۹۸ این آمار به ۲۰۶ مورد افزایش یافته است^۲ (سایت سازمان بهزیستی، ۱۳۹۸). به نظر می‌رسد یکی از جنبه‌های مهم کودک‌آزاری آثار و پیامدهای آن باشد. این نکته مورد تأیید همگان است که سوءاستفاده از کودکان می‌تواند اثرات زیان‌بار وسیعی بر کودک، والدین و کل جامعه بگذارد. سوءاستفاده جسمی، جنسی، عاطفی و غفلت همه و همه

1. <https://www.rouydad24.ir/fa/news/218957/>. 1399/31/3

2. <https://www.behzisti.ir/news/2337/> 1398/4/1

تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه...، رضایی نسب و فیض‌اللهی | ۱۲۳

می‌تواند بر سلامت جسمی و روانی کودک در کوتاه‌مدت و درازمدت اثر گذاشته و رشد عادی او را مختل کند.

با در نظر گرفتن ویژگی‌های کودک‌آزاری در استان ایلام، از قبیل گسترش و پیچیده بودن علل این مسئله، همچنین به دلیل آثار زیان‌بار این پدیده و کمبود آمار و ارقام در این زمینه و دست‌آخر وجود نداشتن یک سازمان برای اطلاع‌رسانی موارد کودک‌آزاری، هر اقدامی که در راه شناخت و کاهش کودک‌آزاری انجام گیرد، گامی در جهت کمک به حفظ سلامت و امنیت کودکان جامعه است. بر این اساس مسئله اصلی این تحقیق، بررسی جامعه‌شناختی پدیده خشونت علیه کودکان در شهر ایلام می‌باشد. برای رسیدن به این مهم سؤالات جزئی برگرفته از مدل الگویی نظریه زمینه‌ای می‌باشد که شامل: پدیده خشونت علیه کودکان از منظر والدین کودک‌آزار به چه عواملی نسبت داده می‌شود؟ استراتژی‌ها و نحوه مقابله با شرایط خشونت‌آمیز کدامند؟ نتایج و پیامد خشونت علیه کودکان کدامند؟

پیشینه تجربی

از جمله پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است می‌توان در جدول زیر بصورت خلاصه آورد.

جدول ۱- پیشینه مطالعاتی انجام شده در زمینه خشونت علیه کودکان

سال	پژوهشگر	عنوان	محل پژوهش	روش تحقیق	نتایج
۱۳۸۶	خوشابی و همکاران	بررسی میزان شیوع کودک‌آزاری بر دانش آموزان دوره راهنمایی شهر تهران	تهران	کمی	رابطه معنادار میان جنسیت دانش آموزان، منطقه محل زندگی، تحصیلات والدین، شغل والدین، طلاق والدین، عدم حمایت اجتماعی و انزوای اجتماعی والدین با شیوع کودک‌آزاری وجود دارد
۱۳۹۰	پور رفیعی	کودک‌آزاری و عوامل مؤثر بر آن در منطقه جنوب شهر تهران	تهران	کمی	رابطه معنادار بین فقر اقتصادی، اعتیاد، سطح پایین تحصیلات والدین، سابقه مجرمیت، اختلالات روانی و کود آزاری وجود دارد
۱۳۹۱	ترکاشوند و همکاران	بررسی شیوع کودک‌آزاری و برخی عوامل جمعیت شناختی مؤثر بر آن در دانش آموزان	زنجان	کمی	رابطه مستقیم آزار عاطفی با تعداد فرزندان و سن مادر، و رابطه معکوس آزار عاطفی با رتبه تولد و تحصیلات پدر؛ رابطه مستقیم آزار جسمی با فوت یکی از والدین و تعداد فرزندان خانواده؛ رابطه معکوس آزار جسمی با سن مادر
۱۳۹۱	زینوند مقدم	بررسی علل و عوامل خشونت علیه کودکان و نوجوانان	خوزستان	کمی	رابطه معنادار بین سلامت جسمی و روانی والدین، وضعیت اقتصادی خانواده‌ها، ویژگی‌های فرهنگی والدین مانند میزان تحصیلات، میزان تقید به مذهب و سابقه خشونت در خانواده پدری با کودک‌آزاری
۱۳۹۱	ابیسی	کودک‌آزاری: بررسی پاره‌ای از علل و پیامدهای آن	اهواز	کمی	رابطه مثبت و مستقیم بین کودک‌آزاری با خشونت خانگی، همسر آزاری، آنومی و تمایل به جرم وجود دارد.

تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه...، رضایی نسب و فیض‌اللهی | ۱۲۵

سال	پژوهشگر	عنوان	محل پژوهش	روش تحقیق	نتایج
۱۳۹۲	یعقوبی دوست و عنایت	بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان شهر اهواز	اهواز	کمی	بین متغیرهای انزوای اجتماعی، حمایت اجتماعی عاطفی ادراک‌شده، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و جمعیت خانوار با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران نوجوان رابطه معناداری وجود دارد
۱۳۹۵	عباسی	مطالعه کودک‌آزاری از نظر ریز سیستم خانواده و عوامل مرتبط به آن	همدان	کمی	والدین کودک‌آزار تجربه خشونت بیشتری در کودکی و تجربه انزوای بیشتری داشته‌اند.
۱۳۹۵	خانی	تدوین الگوی بومی کودک‌آزاری در شهر اصفهان: یک نظریه زمینه‌ای	اصفهان	کیفی	عدم آشنایی با حقوق خود در کودکان و کمبود برنامه‌های آگاهی‌بخش؛ عدم توانایی برای تعامل و ارتباط با کودک و ترس از بیان کودک؛ ویژگی‌های فردی و شخصیتی والدین مهم‌ترین نقش در کودک‌آزاری دارند.
۱۳۹۵	مقصود لو	بررسی فراوانی کودک‌آزاری و عوامل مؤثر بر آن در کودکان مراجعه‌کننده به بیمارستان امیرکبیر	اراک	کمی	رابطه بین کودک‌آزاری با بیماری جسمی و روانی، تحصیلات پایین در والدین، میزان درآمد خانوار، شغل مادر، اعتیاد، طلاق در خانواده
۱۳۹۵	واعظی	تجربه زیسته کودکان پیرامون خشونت خانگی	بانه	کیفی	تجربه زیسته کودکان پیرامون خشونت خانگی در قالب سه طبقه «چرخه ممتد آزار»، «پرخاشگری به‌مثابه راهبرد مراقبتی» و «حضور اجتماعی به‌مثابه یک چالش» جای گرفت
۱۳۹۶	حبیبی و همکاران	اثرات سوء کودک‌آزاری بر		کمی	کودکان در سنین پایین‌تر بیشتر مورد کود آزاری قرار می‌گیرند؛ پایگاه

سال	پژوهشگر	عنوان	محل پژوهش	روش تحقیق	نتایج
		ویژگی‌های شخصیتی کودکان			اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پایین و سطح تحصیلات پایین والدین و خشونت بیشتر؛ تأثیر سلامت روانی والدین بر کود آزاری
داسیلوا و همکاران ^۱	۲۰۱۷	خشونت علیه کودکان و نوجوانان در برزیل	برزیل	کمی	خشونت زیاد علیه کودکان ۷-۲ سال؛ خشونت بیشتر در میان خانواده‌های حاشیه‌نشین، مردان ۴۰-۲۰ سال، تحصیلات کمتر والدین، مادر به‌عنوان مسئول اصلی، سپس پدر و ناپدری
فیاض ^۲	۲۰۱۹	کودک‌آزاری: اثرات و اقدامات پیشگیرانه	هند	کمی	اهمیت اقدامات پیشگیرانه در زمینه کودک‌آزاری؛ اهمیت ویژه به خانواده‌ها و مدارس

همان‌طور که در جدول نیز مشاهده می‌کنید معدود تحقیقاتی که با رویکرد جامعه‌شناختی به بررسی کودک‌آزاری پرداخته‌اند بیشتر از طریق روش کمی انجام شده‌اند.^۳ معدود تحقیقات انجام شده با روش کیفی نیز در سایر شهرها انجام شده است. خلأ تجربی و پژوهشی موجود در زمینه مطالعه کیفی مسئله خشونت علیه کودکان و عوامل مؤثر بر آن به‌ویژه در شهر ایلام، ضرورتی است که محقق را به سمت انتخاب این موضوع رهنمون ساخته است. در واقع تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد امیک^۴ از موضوع تحت مطالعه در میان افراد مورد مطالعه است.^۱ همچنین از نظر مکان انجام تحقیق نیز پژوهشی نو و بدیع به شمار می‌آید.

1. Da Silva et all

2. Fayaz

۳- لازم به ذکر است در این تحقیق، پیشینه‌های تجربی که توسط دانشجویان یا اساتید دانشگاه‌های علوم پزشکی انجام شده است نادیده گرفته شده است. چرا که بیشتر از دیدگاه فردی و روانی به این مسئله پرداخته‌اند.

4. Emic

چارچوب مفهومی

روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای به دلیل اینکه مبتنی بر نظریه‌پردازی است به چارچوب نظری نیازی ندارد (Creswell, 1994) به نقل از ریسی، (۱۳۹۱). گلیزر و اشتروس معتقدند که یک جامعه‌شناس باید از لحاظ نظری چندان حساس باشد که بتواند نظریه‌ای که از داده‌ها بیرون می‌آید را مفهوم بندی و ترکیب کند. حساسیت نظری در رشد دائمی است و هنگامی که جامعه‌شناس به صورت تئوریک می‌اندیشد و نظریه‌های زیادی را مورد مذاقه قرار می‌دهد، شکل می‌گیرد (Glaser & Strauss, 1967: 46). بر این اساس در پژوهش حاضر طرح مفاهیم مربوط به خشونت به‌عنوان ادبیات فنی، در راستای کارکردهای فوق صورت گرفته است و محقق قصد استخراج چارچوب نظری ندارد.

خشونت به‌مثابه دسترسی به منابع: بر پایه این مفهوم، نظام خانواده مانند هر نظام و یا واحد اجتماعی دیگر دارای نظام اقتداری است و هر کس به منابع مهم خانواده (شغل، تحصیلات، درآمد، مهارت و اطلاعات) بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد می‌تواند سایر اعضا را در مسیر امیال خود وادار کنند و تصمیم‌گیری‌های مهم با اوست. ویلیام گود در این زمینه معتقد است برخورداری از منابع مختلف نقش مهمی در تعیین نقش‌ها و رفتار افراد نظام خانواده دارد. بر این اساس زن یا شوهری که به منابع مهم دسترسی بیشتری دارد نقش پررنگ‌تر و قدرتمندتری در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی ایفا می‌کند (یکه کار، ۱۳۹۸: ۵۱). این نکته سرآغاز توجه به نقش منابع در خانواده و تأثیر آن بر تنظیم روابط خانوادگی و درنهایت قرار گرفتن کودکان در معرض خشونت است.

۱- رویکرد امیک یکی از مفاهیم بنیادی در پارادایم تفسیری و روش‌شناسی کیفی بوده و به معنای درک، تفسیر و بازنمایی پدیده یا موضوع موردبررسی از «نقطه‌نظر افراد درگیر» است. مفهوم امیک در نقطه مقابل مفهوم اتیک است که اساساً یک رویه اثباتی بوده و بر ویژگی ناظر بودن محقق بر امر موردتحقیق و نگاه به آن از موضعی خارجی و واسطه مند تأکید دارد.

خشونت به مثابه عدم کنش تعاملی: بر اساس این مفهوم، شرایط گفتگوی دوطرفه زمانی شکل می‌گیرد که کنش ارتباطی در مفهوم هابرماسی^۱ آن حضور داشته باشد و کنشگران در فضایی به دور از تنش نظرات خویش را تبادل کنند. هابرماس معتقد به شکل‌دهی فضای کنش ارتباطی است. در این هم‌کنشی، کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوتشان از طریق اجماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است هماهنگ کنند و «زبان مشترک» این امکان را فراهم آورد. و در صورت بروز اختلاف‌نظر، برای جلوگیری از رفتار خشونت‌آمیز طرفین فقط باید به دلیل متوسل شوند. پس نیروی الزام‌آور اعمال گفتاری در گرو نیرومندی غیر خشن دلایل است (هابرماس^۲، ۱۳۷۷: ۴۵).

خشونت به مثابه یادگیری اجتماعی: مفهوم یادگیری اجتماعی را باندورا^۳ در دهه ۱۹۹۰ مطرح کرد. به اعتقاد او مشاهده و تجربه‌های بدرفتاری در دوران کودکی منجر به یادگیری رفتارهای سلطه‌آمیز می‌شود. در واقع خشونت‌هایی که افراد در بزرگسالی مرتکب می‌شوند، ریشه در دوران کودکی دارد. حتی بیان می‌شود خشونت از خشونت زاده می‌شود (گردش خشونت یا انتقال بین نسلی). چنانچه محیط خانواده بستر مشاجرات و پرخاشگری باشد، این محیط نقش قطعی در رفتار خشونت‌آمیز دارد و چرخه خشونت را جاودانی می‌کند. اگر افراد در دوران کودکی در یک خانواده پر هرج و مرج زندگی کرده باشد و والدینشان مدام ناهماهنگی داشته باشند، میل به توهین و خشونت علیه دیگران و در محیط خانواده افزایش می‌یابد (ریسی، ۱۳۹۱: ۳۳).

خشونت جزئی از خرده‌فرهنگ: بر اساس این مفهوم، هر فرهنگی و به تبع آن هر خرده‌فرهنگی دارای عناصر خاصی است شامل ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و اعتقادات

۱- متفکر مکتب فرانکفورت (انتقادی) که به حوزه‌های معرفتی مختلف از جمله فلسفه، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی تعلق دارد. نظریه کنش ارتباطی یکی از مهم‌ترین نظریات این متفکر می‌باشد.

2. Habermas
3. Bandura

که ممکن است خشونت در بین اعضای خانواده تأیید و تقویت شود یا مانع آن شود. در نتیجه تعهد به این عناصر فرهنگی است که خشونت در خانواده را به وجود آورد. این مفهوم بیش از اینکه تبیینی از ساخت اجتماعی باشد یک تبیین فرهنگی است. بر این اساس در میان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، جهت‌گیری‌های متفاوتی نسبت به خشونت وجود دارد که در تفاوت‌های فرهنگی، ارزش‌ها، اعتقادات و هنجارهای مربوط به وضعیت مناسب برای رفتار خشونت‌گرایانه منعکس می‌شود (نوابخش و قجاوند، ۱۳۸۸: ۱۵).

کالینز و کلترانس^۱ و منابع قدرت: کالینز و کلترانس برای پاسخ دادن به اینکه چرا تضاد و خشونت در خانواده‌های امروزی روی می‌دهد، روی چهار عنصر اصلی جامعه‌شناختی تأکید می‌ورزند که عبارتند از:

- (۱) حق مالکیت جنسی: نگرش سنتی پدرسالاری مبتنی بر این است که زنان از لحاظ اقتصادی، جنسی و احساسی بخشی از دارایی شوهران خود به شمار می‌روند.
- (۲) فشارهای اقتصادی: به نظر کالینز میزان تعارضات خانواده هنگام فشارهای اقتصادی افزایش پیدا می‌کند. به‌ویژه در میان طبقات پایین جامعه این عامل نقشی عمده ایفا می‌کند. چنین خانواده‌هایی درک خیلی سنتی از نقش‌های جنسیتی دارند و چنین می‌پندارند که شوهر به‌عنوان تأمین‌کننده اقتصادی و رئیس خانواده است.
- (۳) انتقال بین نسلی: شواهدی هست مبنی بر اینکه تعارضات خانواده از نسل‌های قبلی به نسل بعد منتقل می‌شود.

- (۴) کنترل اجتماعی: خانواده مکانی است که کمتر در معرض کنترل و نظارت اجتماعی قرار دارد به‌ویژه در گذشته (در جوامع غربی)، که خانواده حریم خصوصی تلقی می‌شد و نهادهای پلیسی و قضایی اجازه دخالت در خانواده را به خود نمی‌دانند.

در این صورت زنان و کودکان که قربانیان اصلی تضاد و خشونت خانواده بودند از دید عموم پنهان می‌مانند (رزاقی و اسلامی، ۱۳۹۴: ۶۰).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که در آن با استفاده از رویکرد نظریه داده بنیاد الگوی مفهومی ارائه می‌شود. از ویژگی‌های مهم نظریه زمینه‌ای آن است که از استدلال استقرایی برای ورود به سطح خرد واقعیت، استدلال قیاسی برای ساخت الگوی نظری عام و استدلال استفهامی برای درک موضع امیک کنشگران اجتماعی استفاده می‌کند (محمد پور، ۱۳۹۰: ۳۱۴). جامعه مورد مطالعه در این تحقیق شامل کلیه افراد درگیر در کودک‌آزاری (کودکان^۱ و خانواده‌های آنان) می‌باشد.

به دلیل محدودیت‌هایی که در دسترسی به کودکان خشونت دیده به‌ویژه در مراکز اورژانس اجتماعی و سایر مراکز تحت پوشش سازمان بهزیستی وجود داشت و عدم مجوز متولیان به محقق جهت مصاحبه با کودکان آسیب‌دیده، در نهایت مجبور به مصاحبه با والدین این کودکان شدیم و نمونه این تحقیق محدود به والدین کودک‌آزار گردید. در این تحقیق، استفاده از روش نمونه‌گیری عمدی و نمونه‌گیری نظری مورد نظر است که از طریق اشباع نظری حجم نمونه ۲۰ نفر تعیین شد.

۱- از دیدگاه حقوق، کودک یا صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روانی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد چون حیات واقعی کودک با تولد آغاز می‌شود، لذا دوران کودکی هم با تولد شروع می‌شود. از نظر قوانین شرعی، پایان کودکی نزد دختر ۹ سالگی و نزد پسر ۱۵ سال تمام قمری است. (قانون مدنی م ۱۲۱۰). با توجه به اینکه در کشوری اسلامی زندگی می‌کنیم در این پژوهش نیز افراد زیر ۱۵ سال به‌عنوان کودک در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۲- ویژگی‌های نمونه تحقیق

ردیف	جنسیت	سن	شغل	تحصیلات
۱	زن	۳۷	کارمند	کارشناسی ارشد
۲	زن	۴۰	خانه‌دار	دیپلم
۳	زن	۴۵	خانه‌دار	سیکل
۴	زن	۴۱	کارمند	کارشناسی
۵	زن	۳۵	خانه‌دار	دیپلم
۶	مرد	۴۰	خیاط	دیپلم
۷	مرد	۴۴	راننده	کاردانی
۸	زن	۴۸	فروشنده	کارشناسی
۹	مرد	۴۱	کارمند	کارشناسی
۱۰	مرد	۳۸	بیکار	کاردانی
۱۱	مرد	۴۴	آزاد	سیکل
۱۲	زن	۴۳	خانه‌دار	دیپلم
۱۳	زن	۴۸	خانه‌دار	سیکل
۱۴	زن	۴۵	کارمند	کارشناسی
۱۵	مرد	۴۵	راننده	دیپلم
۱۶	زن	۳۳	آرایشگر	کارشناسی
۱۷	مرد	۵۱	تأسیساتی	کاردانی
۱۸	مرد	۳۴	خانه‌دار	دیپلم
۱۹	زن	۳۸	شغل خانگی	دیپلم
۲۰	زن	۳۹	خانه‌دار	دیپلم

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود ۱۲ نفر از نمونه‌های تحقیق زن و ۸ نفر مرد می‌باشند. از لحاظ وضعیت تحصیلی، ۵ نفر کارشناسی، ۸ نفر دیپلم، ۳ نفر کاردانی، ۳ نفر سیکل و ۱ نفر نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده‌اند. سن افراد شرکت‌کننده در این تحقیق هم از ۳۳ تا ۵۱ سال متغیر بوده است. در پژوهش حاضر نیز محقق از تکنیک مصاحبه نیمه استاندارد بعنوان مهم‌ترین تکنیک برای گردآوری اطلاعات خود استفاده کرده است. تأکید بر گمنام بودن نمونه‌ها و عدم افشای نام آنها از

اصول اخلاقی مدنظر در پژوهش حاضر بوده که بر این اساس رضایت مصاحبه‌شوندگان حاصل شد. در روش گراندد تئوری، محقق پس از تبدیل داده‌ها به متن، سطر به سطر آن‌ها را مطالعه و کدگذاری خواهد نمود. حاصل این کار ایجاد مفاهیم^۱ و مقوله‌های^۲ متعدد در تحقیق است.

کدگذاری داده‌ها که برای تکوین منسجم، منظم و مشروح نظریه به کار می‌روند طی سه مرحله انجام خواهد پذیرفت که عبارت‌اند از: کدگذاری باز^۳ محوری^۴ و انتخابی^۵. از جنبه باورپذیری پژوهش مزبور و انتقال‌پذیری به‌طور خاص جمع‌آوری یافته‌های کیفی و فرایند تحلیل و مصاحبه‌ها از آن‌رو که توسط تنی چند از متخصصان این حوزه و محققان حوزه مسائل اجتماعی پی گرفته خواهد، واجد معیار محقق خواهد بود. درگیری طولانی مدت با این موضوع و فرایند طولانی مدت مصاحبه‌های مقدماتی، مصاحبه‌های نهایی، پیاده‌سازی و تحلیل و تفسیر داده‌ها، حضور بلندمدت در میدان تحقیق را میسر ساخت که خود می‌تواند به باورپذیری بیشتر داده‌های کیفی منجر شود. علاوه بر این موارد در راستای افزایش سطح تأیید پذیری این مطالعه تلاش خواهد شد تا جزئیات روش شناسانه از روند مطالعه ارائه و توصیفات عمیق کدهای متعدد از خلال مصاحبه‌ها آورده شود.

داده‌ها و یافته‌ها

سؤال اول- پدیده خشونت علیه کودکان از منظر خانواده‌های ایلامی به چه عواملی^۶ نسبت داده می‌شود؟ دلایل یا شرایط رفتار خشونت‌آمیز شما با کودکان چه بوده است؟

-
1. Concepts
 2. Categories
 3. Open coding
 4. Axial coding
 5. Selective coding

۶- در این قسمت سؤالات فصل اول مربوط به شرایط علی، زمینه‌ای و میانجی بیکاری مورد بررسی قرار می‌گیرد

تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه...، رضایی نسب و فیض‌اللهی | ۱۳۳

به‌طور کلی شرایط عبارتند از مجموعه رویدادها و حوادثی که موقعیت‌ها و مسائل مربوط به پدیده را خلق می‌کنند (Strauss & Corbin, 2012: 152). شرایط در نظریه زمینه‌ای یا مبنایی از سه بخش علی، زمینه‌ای و میانجی تشکیل می‌شوند.

جدول ۳- کدگذاری شرایط علی خشونت علیه کودکان از منظر والدین

شرایط علی	کدگذاری
<p>➤ مقایسه خود با همسالان به دلیل شرایط بهتر مالی آنان، ناتوانی در خرید همه وسایل کودک، توقعات بالا و ناتوانی والدین در تأمین آنها، شرایط بد مالی، فشار روانی به دلیل مشکلات اقتصادی و پشیمانی از تولد فرزند به دلیل مشکل مالی، فشار مالی، دعوا و مشکلات به خاطر نداشتن پول،</p> <p>➤ کرونا و خانه‌نشینی شدن فرزندان، کم شدن ارتباطات کودکان با دوستان، پایین بودن آستانه تحمل به خاطر کرونا، ترس و اضطراب به دلیل مبتلا شدن کودک، کرونا و تعطیل شدن کار همسر، کرونا و فشار مالی بر خانواده، کرونا و تأثیر بر یادگیری کودک، درگیر شدن در فعالیتهای آموزشی کودک</p> <p>➤ دعوای بچه‌ها، حرف‌نشوی و لج بازی بچه‌ها، خشونت به‌عنوان رفتاری آنی و لحظه‌ای، بد غذا بودن کودک، حاضر جواب بودن کودک، پرخاشگری کودک، نداشتن تحمل، دعوا با مادر شوهر، بحث و اختلاف با مادر شوهر؛ دعوا با خواهر شوهر و خالی کردن روی فرزند، دعوا با شوهر، درگیری با خانواده‌ها، اختلاف با والدین بر سر طرز تربیت کودک، اعتیاد شوهر، جدایی از همسر و تنها بودن، طلاق و مشکلات بعد از آن، نبود مشارکت و یاریگری، در حاشیه قرار گرفتن، نبود ارتباط، نبود همدلی</p> <p>➤ مشکلات جسمی و عدم تحمل، مشکلات جسمی و خستگی و کم‌کاری تیروئید، نداشتن اعصاب به خاطر دیر بچه‌دار شدن، افسردگی</p>	کدگذاری باز
<p>➤ فقر مادی، برآورده نشدن نیازهای اساسی</p> <p>➤ کرونا و انزوای اجتماعی؛ کاهش ارتباطات اجتماعی؛ کرونا و افت تحصیلی؛ کرونا و مشکلات اقتصادی</p> <p>➤ مشاجرات خانوادگی، تنش در زندگی، طلاق، نبود صبر و تحمل، خشونت به‌مثابه ناهنجاری رفتاری کودک</p> <p>➤ بیماری جسمی، اختلالات روحی</p>	کدگذاری محوری
<p>➤ سرمایه اقتصادی پایین</p> <p>➤ کرونا و تغییر سبک زندگی خانوادگی</p> <p>➤ ناکارآمدی خانواده‌ها</p> <p>➤ وضعیت سلامتی</p>	کدگذاری انتخابی

در این تحقیق شرایط علی خشونت علیه کودکان را می‌توان سرمایه اقتصادی پایین، کرونا و تغییر سبک زندگی خانوادگی، ناکارآمدی خانواده‌ها و وضعیت سلامتی در نظر گرفت. زیرا مستقیماً بر پدیده کودک‌آزاری در خانواده‌ها تأثیر می‌گذارند. سرمایه اقتصادی پایین: از نظر پیر بوردیو، معنا و مفهوم سرمایه اقتصادی، از پهنه اقتصادی سرچشمه می‌گیرد. سرمایه اقتصادی یا ثروت مادی، در واقع قدرت پرداخت برای شکلی از سرمایه است که می‌تواند تبدیل به کالاهای مادی شود. موقعیت افراد برحسب حجم و نوع سرمایه آنها مشخص می‌شود و جایگاه آنها را ابتدا در خانواده و سپس در جامعه مشخص می‌سازد (بوردیو، ۱۳۹۳: ۶۳). در این پژوهش سرمایه اقتصادی پایین از زیر مقوله‌های فقر مادی، برآورده نشدن نیازهای اساسی به‌دست‌آمده است.

خانواده نهادی اجتماعی و بسیار مؤثر در فرایند اجتماعی شدن افراد است. از مهم‌ترین عوامل دوام و بقای خانواده، وضعیت اقتصادی و منبع درآمد آن است. بسیاری از نابسامانی‌ها، ناهنجاری‌ها و آشفتگی‌هایی که امروزه در محیط خانوادگی وجود دارد دارای ریشه مادی و اقتصادی است. در واقع یکی از عوامل مهم در تبیین خشونت فقر و مسائل اقتصادی می‌باشد. در شرایط جامعه نوگرایی امروزی فقر مولد تضادهای خانوادگی و اجتماعی است. فقر پدیده‌ای ساده نیست که ما بتوانیم با به‌کارگیری یک دیدگاه آن را تعریف کنیم. فقر به خواسته‌های مادی مرتبط می‌شود که به دلیل ابزارهای ناکافی در برآورده شدن حداقل نیازها در زمینه مسکن، خوراک، بهداشت و تحصیل به وجود می‌آید و این وضعیت با اعمال تبعیض‌های مختلف حالت وخیم‌تری به خود می‌گیرد (محمدی و مالکی، ۱۳۹۹: ۵).

بر طبق منابع اسلامی نیز هدف نهایی همه حکومت‌ها و علی‌الخصوص حکومت اسلامی حرکت جامعه به سوی سعادت است. در این مسیر حقوق و تکالیف متعددی بر عهده افراد جامعه و حکومت واقع شده است. هم حاکمان و هم شهروندان در قبال یکدیگر مسئولیت دارند. اما جامعه زمانی می‌تواند به سوی سعادت پیش برود که

شهروندان آن دغدغه‌های حداقلی زندگی خود را نداشته باشند و از فقر دائمی رنج نبرند؛ زیرا فقر انسان را از تفکر بر امور متعالی بازمی‌دارد و فقط اندیشه را مشغول امور معیشتی می‌سازد. به عقیده ویلیام بونگر فقر مبنا و اساس انحرافات اجتماعی بوده و مهم‌ترین علت برای خشونت، فقر می‌باشد. فقر و بیکاری می‌تواند احساس نابرابری نسبت به دیگران، روحیه ضعیف، منزوی شدن افراد و قطع رابطه با دیگران باشد (مکیان و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۶۶).

بر اساس نظریه ناکامی-پرخاشگری، هومنز می‌گوید وقتی فرد دچار ناکامی شده باشد انتظار می‌رود که رفتاری پرخاشگرانه از خود نشان دهد. ناکامی تولید پرخاشگری و عصبانیت می‌کند. بسیاری از خانواده‌ها در جامعه ایلام در مواجهه با مشکلات اقتصادی، علت را در فرزندان، توقعات نامعقول فرزند، عدم درک موقعیت اقتصادی ایشان از طرف اعضا و در نهایت عدم توانایی در خروج از بحرانی می‌دانند که به واسطه ازدواج و تشکیل خانواده در آن گرفتار شده‌اند. بدین ترتیب والدین و به‌خصوص پدران با اعمال خشونت و بدرفتاری با فرزندان خود در مقابل این ناکامی و سرخوردگی از خود واکنش نشان می‌دهند. خانواده و والدینی که توان تدارک ملزومات اولیه و اساسی زندگی را دارا نباشند دیر یا زود، خواسته یا ناخواسته با مشکلات بی‌شمار مواجه می‌شود.

در حوزه اقتصادی شاهد این هستیم که خانواده‌های ایلامی با مشکلات مختلف درگیر هستند از جمله بیکاری، اعتیاد، بیماری و... بر اساس صحبت‌های این خانواده‌ها، از فرط بیکاری، فقر و بیچارگی انواع خشونت در خانواده عملی می‌شود. بدین ترتیب محدودیت‌های اقتصادی باعث بروز کشمکش، اختلاف در بین اعضای این خانواده‌ها و در نهایت بروز خشونت علیه کودکان شده است. صحبت یک نفر از والدین، این علت را به‌خوبی نشان می‌دهد:

"دخترم تو در و همسایگی دوستای زیادی داره که وضعیت مالیشون خیلی بهتر از

ماست. مثلاً ما تو یه زیرزمین خانه مادرشوهرم داریم زندگی می‌کنیم اونا خونه های

مستقل و ویلایی و ماشین. روزی یه لباس میپوشن، انواع اسباب بازی رو میارن تو خیابون بازی می‌کنند با هم. بعد، شب که میشه تو خونه دخترم مدام میخواد به زور ما هم این وسایل رو برام بخریم. ما هم که توانایی نداریم. دیگه دست خودم نیست یا شروع می‌کنم می‌زنمش یا رو سرش دادویداد می‌کنم."

کرونا و تغییر سبک زندگی خانوادگی: واژه سبک زندگی در فرهنگ علوم اجتماعی به نوع زندگی یا معیشت ترجمه شده است و بیشتر به سبک‌های زندگی جاری در زندگی روزمره اشاره دارد. در واقع سبک را محصول کنش متقابل می‌دانند که می‌تواند به شکل بخشیدن به نظم اجتماعی کمک کند و چگونگی جریان حیات و شیوه زندگی انسان‌ها به صورت فردی و گروهی مانند استفاده از درآمد، شیوه لباس پوشیدن، محل سکونت، رفتارهای دینی، فرهنگی، اجتماعی و... را شامل می‌شود (تاج‌بخش، ۱۳۹۹: ۳۴۲).

گیدنز سبک زندگی را مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره می‌دانند (گیدنز، ۱۳۹۸: ۷۱). از اواخر سال ۲۰۱۹ ویروس جدیدی به نام کرونا^۱ در شهر ووهان چین شناسایی شد و به شکل غیرمنتظره‌ای طی چند هفته در بیش از ۱۷۰ کشور همه‌گیر شد و زندگی گروه وسیعی از افراد در سطح جهان را با تنش‌های اساسی مواجه کرد. گسترش سریع جغرافیایی و رمزگونه این بیماری، میزان مرگ‌ومیر نسبتاً زیاد، روش‌های انتقال، جدید بودن بیماری و عدم اطمینان در شناسایی و کنترل بیماری ترس از این بیماری را دوچندان کرد. بحران فراگیر خودمحموری و غفلت از دیگران و کم‌رنگ شدن ارتباطات انسانی از پیامدهای مهم این بیماری بر زندگی‌های امروزی است (گنج‌بخش، ۱۳۹۹: ۱۳۳).

طرد اجتماعی ناشی از بیماری حتی پس از بهبود نیز به‌ویژه در محیط‌های کوچک از چالش‌های مهمی است که افراد با آن روبه‌رو هستند. ترس از این مورد بسیاری از خانواده‌های ایلامی را نیز درگیر کرده است. دوری از جمع‌های خانوادگی و دوستانه و

ارتباطات خویشاوندی، صلہ‌رحم را در بین این خانواده‌ها کم‌رنگ و یا حتی قطع کرده و فردگرایی رواج پیدا کرده است. بدین ترتیب انزوا و سردی ارتباطات انسانی از عوارض مهم این بیماری بوده که باعث فشار روحی روانی بر این افراد شده و به عصبی شدن این افراد کمک کرده است. بسیاری از خانواده‌هایی که در شهر ایلام با کودکان خود بدرفتاری داشته‌اند از بحرانی به اسم مشکلات اقتصادی و سختی معیشت در دوران کرونا نیز گفته‌اند. فعالیت‌ها، کسب‌وکارهای بسیاری در ایام کرونا بشدت از این بیماری تأثیر پذیرفته و از رونق افتاده‌اند.

در نتیجه آن افزایش بیکاری، کاهش درآمد و کاهش رفاه این خانواده را به دنبال داشته است. طبق گفته‌های این خانواده‌ها، در این بحران فراگیر، بیشترین ضربه اقتصادی به کسانی وارد شده است که شغل دائمی نداشته‌اند و دولت نیز کمک چندانی به این خانواده‌ها نداشته است. علاوه بر این‌ها در ایام مربوط به کرونا با مسئله‌ای به نام یادگیری الکترونیکی مواجه بوده‌ایم. این نوع آموزش که به‌عنوان آموزش بدون نیاز به حضور فیزیکی (غیرحضوری) خوانده می‌شود، روشی نوین در فرایند آموزش با کمک فناوری‌های نوین و با تکیه بر ابزارهای فناوری اطلاعات است. یادگیری آنلاین که در یادگیری الکترونیکی از آن استفاده می‌شود نوع دیگری از آموزش است که یک سیستم آموزش از راه دور است که در آن از دسترسی به اینترنت برای حمایت از معلمان جهت آموزش دانش‌آموزان استفاده می‌شود (حاجی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۷).

با شروع اپیدمی کووید ۱۹، پروتکل‌های بهداشتی بر رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی تأکید کردند. در این راستا برای کاهش شیوع ویروس کرونا آموزش‌های حضوری در مدارس و مراکز آموزشی تعطیل شد. برای اینکه آموزش دانش‌آموزان در طول فاصله‌گذاری اجتماعی دچار وقفه نشود، راهکارهای مختلف از جمله آموزش مجازی ارائه شد (Viner et al, 2020: 3). در واقع تحولی که خانه‌نشینی در حوزه آموزش ایجاد کرد بسیار قابل‌توجه بود. فضای مجازی و استفاده از زیرساخت‌های اینترنتی در این شرایط حرف اول را می‌زند. بدون شک آماده‌سازی خانواده‌ها و دانش

آموزان به آموزش مجازی و آنلاین با توجه به شیوع گسترده ویروس کرونا ضرورتی بود که در سایه مشکلات ناشی از کرونا مغفول ماند. در جامعه ایلام نیز این مشکل و بر اساس صحبت‌های والدین آشکار است.

کرونا و آموزش غیرحضوری در دانش آموزان تأثیر گذاشته و با توجه به تغییر محتوای کتاب‌ها و تخصصی بودن آن‌ها والدین نمی‌توانند و نتوانسته‌اند آن‌گونه که شایسته است در فراگیری دروس به کودکان خود کمک کنند. در کنار این‌ها مشکلات و موانع مالی مزید بر علت شده تا فشار روحی روانی بر والدین بیشتر شود. چرا که بسیاری از این خانواده‌ها توانایی تهیه گوشی‌های پیشرفته برای ورود فرزندان‌شان به کلاس درسی را نداشته‌اند. بدین ترتیب محیط خانگی از تناسب مناسبی برای آموزش برخوردار نیست و این محیط بخصوص برای والدین مشکلاتی را به وجود آورده است. بدین ترتیب افت تحصیلی در فرزندان نتیجه این وضعیت بوده است. این مقوله به معنی عدم موفقیت در تحصیل است که بر اساس صحبت‌های والدین با معیارهای مختلف مثل معدل نامطلوب، طولانی شدن مدت تحصیل، عدم یادگیری قابل‌بررسی است که این مسئله فشار و تنش بیشتری را در این خانواده‌ها به وجود آورده است.

بدین ترتیب یکی از عواقب مهم شیوع ویروس کرونا در جامعه ایلام ایجاد اضطراب و هراس اجتماعی و مشکلات اقتصادی، آموزشی و به‌نوعی تغییرات سریع در سبک زندگی بوده است. در واقع کرونا باعث به وجود آمدن سبک زندگی جدیدی در این خانواده‌ها شده است. سبک زندگی که در آن به‌یک‌باره مجبور شدند مسافرت‌ها را حذف کنند، دیدوبازدید از اقوام و آشنایان را کنار بگذارند، مدت‌زمان ماندن کودکان در خانه طولانی‌تر شود، استرس و بیکاری اجباری عده‌ای از والدین در این خانواده‌ها بر استرس در محیط خانه اضافه کرد، مدارس و مهدکودک‌ها تعطیل شوند و به قول مادران ۲۴ ساعت شبانه‌روز را با بچه‌هایشان سروکله بزنند.

بسیاری از تدابیر پیشگیری و کنترل این بیماری مانند قرنطینه شدن در خانه، بسته شدن مدرسه‌ها و مشکلات آموزشی کودکان، فقر و از دست دادن معیشت، کاهش

ارتباطات اجتماعی باعث شده فشارهای روانی جدیدی بر والدین وارد شود و کودکان را در برابر خشونت و ناراحتی‌های روانی-اجتماعی بیش‌تر آسیب‌پذیر کرده‌اند.

یکی از سوژه‌ها در این باره می‌گوید:

"تو این ماه‌های اخیر که عصبانیتیم چند برابر شده. همش هم به خاطر کرون است. بچه هام هم نه میتونن برن کلاسی، اوقات فراغتی. همش تو خونه. قبلاً با دوستانشون بودن تخلیه می‌شدن، با بقیه روابط خوبی داشتن. الان اینطور نیست حتی درس و تکلیفشون هم با ما هست. جنگ و دعوا دارن همیشه با هم. خب ما هم گنجایشی داریم دیگه."

ناکارآمدی خانواده‌ها مقوله مهم دیگر در این پژوهش است که از زیرمقوله‌های مشاجرات خانوادگی، تنش در زندگی، طلاق، نبود صبر و تحمل در بین والدین، و خشونت به‌مثابه ناهنجاری رفتاری کودک استخراج شده است. این بحران‌ها موجب شده است که خانواده در جامعه ایلام نتواند کارکرد و عملکرد خویش یعنی تزریق عاطفه، صمیمیت، آرامش را به مجموعه عناصر خود تزریق کند. خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است اما در عین حال رکن بنیادی هر جامعه انسانی محسوب می‌شود، خشت اول و بنیان زیربنایی هر جامعه به شمار می‌رود. هر نظام و سیستمی باید بر پایه‌های استوار و محکم بنا شود تا بتواند موجودیت و قوام خود را حفظ نماید؛ بنابراین سلامت مادی و معنوی خانواده از بدیهی‌ترین عوامل سلامت جامعه به شمار می‌رود.

در جامعه ایلام یکی از معضلات اساسی بر اساس تحقیقات صورت گرفته این است که خانواده از حالت ثبات در ایجاد آرامش و امنیت برای اعضای خود به محیطی سرشار از خشونت، ناامنی و دیگر مسائل که روح و جسم اعضای آن را تهدید می‌کند (رضایی نسب، ۱۳۹۶: ۲۲۰). اختلافات و ناسازگاری‌ها در روابط خانوادگی به‌ویژه با خانواده همسر در صحبت‌های والدین مشهود است. این امر منجر به کاهش صمیمیت و آرامش در محیط این خانواده‌ها و بی‌توجهی به فرزندان و بعضاً تخلیه فشار و استرس بر کودکان شده است. بر اساس دیدگاه شبکه، خانواده قسمتی از یک شبکه بزرگ خویشاوندی محسوب می‌شود که در تعامل با سایر افراد و خانواده‌ها قرار دارد؛ هرچه

دخالت اطرافیان در روابط اجتماعی زوجین بیشتر باشد امکان بروز خشونت نیز افزایش می‌یابد (طالب پور و کریمی فر، ۱۳۹۸: ۱۴۲).

در واقع عوامل استرس‌زای خانوادگی زیادی در نمونه‌های این تحقیق وجود دارد که به‌عنوان منبع فشار در والدین شناخته می‌شود و خانواده در این جامعه به‌نوعی دارای کژکارکرد است. این عوامل باعث از بین رفتن تفاهم و توافق در بین اعضای یک خانواده می‌شود و تنش را در روابط خانوادگی ایجاد خواهد کرد. در این رابطه گیدنز معتقد است اگر مسائل و مشکلات ناشی از تعارضات خانواده در یک جامعه شدت یابند، استحکام خانواده را به خطر می‌اندازد و این امر تهدیدی برای استحکام جامعه و نظام اجتماعی به شمار می‌رود؛ یک جامعه مستحکم باید خانواده مستحکم داشته باشد. علاوه بر این یکی دیگر از مشکلات مهم در این خانواده‌ها به گفته نمونه‌های تحقیق، نبود صبر و تحمل یا به عبارتی مدارای اجتماعی است. مدارای اجتماعی با مفاهیمی چون حلم و بردباری و آستانه تحمل همراه است.

یکی از فضیلت‌های اخلاقی که در دین اسلام نیز بر آن تأکید شده است و موجب افزایش محبت، صمیمیت، نشاط، احساس تعلق و گذشت بین مردم می‌شود. انسان‌های بردبار، شکیبا و صبور در هر جامعه‌ای عامل مهمی برای انسجام اجتماعی، تقویت همبستگی اجتماعی و ارتقای امنیت اجتماعی به شمار می‌روند (غباری بناب و راقبیان، ۱۳۹۶: ۵۰). عدم صبر در این خانواده به دلیل وجود مشکلات و مسائل مختلف است که در شرایط زمینه و میانجی به آنها اشاره شده است.

همچنین بسیاری از این خانواده‌ها از الگوهای کارآمد حل مسئله هیچ شناختی ندارد، از وظایف و نقش‌های خود عنوان والد یا والده اطلاعی ندارند گویی تنها به‌عنوان والدین زیستی فعالیت می‌کنند یعنی والدینی که در راه جامعه‌پذیر کردن فرزندشان قدمی بر نمی‌دارند؛ خودمختاری و استقلال عمل کودکانشان را به رسمیت نمی‌شناسند، دل‌بستگی و روابط نزدیک با فرزندشان ندارند و اعمال خشونت را به‌عنوان درمان ناهنجاری رفتاری در کودک به‌عنوان راه‌حل اساسی می‌دانند. در بسیاری

از موارد به خاطر نداشتن دانش کافی، ضعف در مهارت‌های ارتباطی این خشونت‌ها را تشدید می‌کند.

در ادامه به صحبت‌های دو مورد از نمونه‌ها اشاره می‌شود.

"تا می‌خوام برم بازار می‌وفته دنبالم، هرچی می‌بینه می‌خواد. خب مگه میشه همه رو براش بخرم؟ شروع میکنه به گریه کردن با صدای بلند یا یه جا وای میسه میگه نمیام. منم دیگه می‌زنمش. چون حرف حالیش نمیشه با گریه میارمش خونه."
"من با مادرشوهرم زندگی می‌کنم. خیلی وقتا وقتی باهاش بحثم میشه یا حرفی میزنه ناراحتم میکنه سر بچه‌ها خالی می‌کنم."

وضعیت سلامتی: سلامتی وضعیتی است که در آن فرد از لحاظ جسمی، روانی و اجتماعی در شرایط خوب و مثبتی به سر می‌برد (فراهانی و کرمی نوری، ۱۳۹۴: ۲). وضعیت سلامتی در این تحقیق از زیر مقوله‌های بیماری جسمی و اختلالات روحی به‌دست‌آمده است. بسیاری از والدین این کودکان معتقدند با توجه به اینکه به انواع مشکلات و بیماری‌های جسمی مثل کم‌کاری یا پرکاری تیروئید، بیماری اعصاب و روان، احساس خستگی مفرط، مشکلات نازایی، افسردگی دچار هستیم؛ در نتیجه در بسیاری از موارد کنترل بر خود را از دست می‌دهیم و در این وضعیت صورت خشم و عصبانیت بر کودکان تخلیه می‌شود بدین ترتیب کیفیت سلامت آنها در سطح پایینی قرار دارد.

مطالعات و تحقیقات علمی نیز نشان می‌دهد تغییرات سریع در سطح هورمون تیروئید باعث می‌شود احساسات به هم بریزد. نکته‌ای که خیلی اهمیت دارد این است که سطح هورمون تیروئید باید همیشه در یک سطح ثابت باقی بماند. مسدودکننده‌های بتا که برای کاهش سرعت ضربان قلب و کاهش اضطراب در افراد مبتلا به پرکاری تیروئید تجویز می‌شوند ممکن است باعث احساس خستگی، افسردگی و هوشیاری کمتر از حد معمول شوند^۱. بسیاری از کارشناسان نیز معتقدند بیماری جسمی قادر

1. <https://doctormanshadi.ir/>

است تغییرات شیمیایی و هورمونی در بدن ایجاد کند و در فرد مبتلا به بیماری جسمی باعث اختلال روانی شود. همچنین بیمار در مدت بیماری جسمی خود نمی‌تواند کارآیی همیشگی خود را داشته باشد و بسیاری از فعالیت‌هایش محدود می‌شود؛ این وضعیت بیمار را دچار اضطراب، خشم و افسردگی کرده و وی را با فشار روحی مواجه می‌کند^۱ (www.asriran.com).

البته ذکر این نکته لازم است که بسیاری از خانواده‌ها دلایل خشم خود را مجموعه شرایط محیطی و سلامتی خود می‌دانند. استرس، افسردگی، مشکلات جسمی در کنار مسائل خانوادگی، وضعیت مالی ضعیف و... فشار و تنش را بر این افراد بیشتر کرده است و باعث شده خیلی زود آرامش خود را از دست دهند و به اصطلاح از کوره در روند. صحبت‌های دو مورد از نمونه‌ها این را تصدیق می‌کند.

"از لحاظ جسمی مشکل دارم، میگرن دارم زود عصبانی میشم. بچه‌ها که جیغ و داد میکنند تحملشان برام سخته."
"کمبود املاح مؤثره. مثلاً من کم‌کاری تیروئید دارم، همیشه احساس خستگی می‌کنم و زود از کوره در میرم."

جدول ۴- کدگذاری شرایط زمینه‌ای خشونت علیه کودکان از منظر والدین

شرایط زمینه‌ای	کدگذاری
<p>➤ توقع زیاد کودکان امروزی نسبت به کودکان دیروز؛ تفاوت گذشته (والدین سالاری) با امروز؛ تفاوت ما با فرزندان و بالا بودن توقعات آنها؛ تفاوت جامعه الان با گذشته؛ عدم ارتباطات اجتماعی و نبود اعتماد به همسایه‌ها نسبت به گذشته؛ صبر و تحمل ضعیف به خاطر تفاوت شیوه زندگی با گذشته، سرپیچی کودک از گام گذاشتن در مسیر آرزوهای مادر</p> <p>➤ تأثیر تنبیه دوران کودکی و الگوبرداری از آنها؛ مثبت تلقی کردن تنبیه در تربیت فرزند؛ مثبت تلقی کردن سخت‌گیری و محدودیت والدین دیروز؛ عدم یادگیری رفتار صحیح از والدین؛ الگوبرداری از والدین و دیگران؛ ریشه داشتن رفتار ما در گذشته؛</p>	کدگذاری باز

1. <https://www.asriran.com/fa/news/494084/1395/6/27>

تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه...، رضایی نسب و فیض‌اللهی | ۱۴۳

<p>مقایسه کودکان با دیگران به‌عنوان رفتار آموخته‌شده؛ سرزنش کودکان به‌عنوان رفتار آموخته‌شده؛ تأثیر زندگی سخت خانوادگی بر روی روحیه؛ دخالت خانواده‌ها و فشار برای به دنیا آوردن بچه دیگر؛ ازدواج به خاطر شرایط بد خانوادگی؛ عدم صحبت و گفتگو در خانه در بین ما کردها؛ آشنا نبودن با فضای جمعی و طرز گفتگو؛ پایین بودن صبر و حوصله در بین خود و اطرافیان؛</p> <p>➤ روحیه خشن و تندمزاج بودن ایلامی‌ها؛ سردمزاجی مردان و نگفتن حرف‌های محبت‌آمیز؛ بسته و محدود بودن محیط؛ نبود فضا و امکانات برای سرگرم کردن فرزندان به‌ویژه دختران؛ بن‌بست بودن و عدم امکانات تفریحی؛</p> <p>➤ ترس از مورد قضاوت قرار گرفتن به‌وسیله دیگران؛ مهم بودن دیگری؛ خشونت به خاطر توجه به حرف دیگران و قضاوت نکردن دیگران؛</p> <p>➤ پرخاشگر بودن به دلیل وجود شرایط جنگی؛ تأثیر خاطرات غمگین زندگی گذشته بر روی اعصاب ما؛ خشونت به خاطر نوع تغذیه؛ تأثیرپذیری از دیگران؛ تأثیر از والدین</p>	
<p>➤ شکاف میان تقاضای کودکان و والدین، دگرگونی نظام‌های ارزشی، تعارض نگرش‌ها</p> <p>➤ سبک دستوری تربیتی با الگوبرداری از قدیمی‌ها، خشونت به‌عنوان رفتاری چرخه‌ای، کنش ارتباطی ضعیف در منطقه</p> <p>➤ نقش‌های جنسیتی سنتی، جنسیت به‌عنوان عامل بازدارنده الگوهای فراغتی</p> <p>➤ خشونت به‌مثابه جلب‌توجه دیگران، عامل جلوگیری از قضاوت شدن</p> <p>➤ خشونت به‌مثابه روش پذیرفته‌شده، شرایط جنگی منطقه، تأثیر تغذیه بر روحیه، الگوبرداری از دیگران</p>	<p>کدگذاری محوری</p>
<p>➤ تعارض نسلی</p> <p>➤ سنت پیشگی والدین</p> <p>➤ نابرابری جنسیتی</p> <p>➤ میل دیگری</p> <p>➤ خشونت به‌مثابه هنجار رویه‌ای</p>	<p>کدگذاری انتخابی</p>

شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایطاند که در یک‌زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا بستر لازم برای شکل‌گیری پدیده را فراهم کنند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳: ۱۵۴). بدین ترتیب شرایط زمینه‌ای، زمینه و بستر را برای کودک‌آزاری و خشونت علیه

کودکان فراهم می‌کنند. این شرایط در پژوهش حاضر عبارتند از: تعارض نسلی، سنت پیشگی والدین، نابرابری جنسیتی، میل دیگری، خشونت به مثابه هنجار رویه‌ای.

تعارض نسلی از مقوله‌های مهم در شرایط زمینه‌ای خشونت علیه کودکان در تحقیق حاضر است. ارزش‌ها در واقع مفاهیمی هستند که معنا دهنده زندگی آدمیان می‌باشند و از بسیاری جهات بر نوع و نحوه زندگی انسان‌ها در جوامع مختلف تأثیر مثبت می‌گذارند. به گفته ژرژ گوروچ در پشت همه انواع رفتارها و گرایش‌های جمعی و فردی انسان‌ها نوعی از ارزش‌ها نهفته است. شکاف ارزشی بین نسل‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که انتقال فرهنگی با مشکل روبه‌رو شود. در گذشته عللی مانند اختلاف بسیار ناچیز در شرایط، مراتب و موقعیت‌های اجتماعی گروه‌های سنی مختلف، رعایت اصل احترام به بزرگ‌ترها، انتقال طبیعی فرهنگ و رسومات جوامع به نسل‌های پسین بدون هرگونه جهش، وجود الگوهای واحد اندیشه، تفکر و رفتار در طی نسل سبب می‌شد تا تغییرات بسیار کند باشد و نتواند موجب شکاف نسل‌ها گردد (جانعلیزاده چوب بستی و سلیمانی بشلی، ۱۳۹۰: ۶۴).

وقتی منابع مختلفی که به نسل‌ها هویت می‌بخشد، یکدیگر را تقویت نکنند و موجب پیوستگی نسلی نشوند، زمینه برای ظهور و بروز تعارض نسلی فراهم می‌شود؛ به گونه‌ای که اعضای جامعه وضعیت و هویت خود را در نفی و تعارض با گذشتگان خود می‌یابند (دانش و همکاران، ۱۳۹۳: ۹). در جامعه ایلامی و در بین نمونه‌های تحقیق شکاف و تعارض نسلی به چشم می‌خورد. شکاف نسلی پدیده‌ای است که در هر جامعه‌ای به تناسب تغییرات اجتناب‌ناپذیر اجتماعی و فرهنگی رخ می‌دهد. در جامعه در حال گذری مانند جامعه ایلام با ایجاد تغییرات پیوسته در جنبه‌های گوناگون شبکه سنتی زندگی و رشد نهادها و ابزارهای مرتبط با نوگرایی، ارزش‌هایی متفاوت با هنجارها و باورهای سنتی در بین نسل جدید یعنی کودکان ظهور پیدا می‌کند که خوشایند نسل قبلی یعنی والدین نیست و این امر زمینه را برای ناسازگاری و بدرفتاری به وجود می‌آورد.

از آنجاکه ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و مورد قبول والدین سازگاری و هماهنگی چندانی با ارزش‌های کودکانشان ندارد، این خود به یکی از کانون‌های بی‌ثباتی و بحران در روابط این‌ها منجر می‌شود و گسست ژرفی را بینشان موجب می‌شود. بنابراین شکاف و تعارض نسلی در این پژوهش مربوط به اختلاف گسترده در خصیلت‌ها و نگرش‌ها میان نسل والدین و کودکان در جامعه ایلامی است. مقوله تعارض ارزشی در این تحقیق از زیرمقوله‌های شکاف میان تقاضای کودکان و والدین، دگرگونی نظام‌های ارزشی و تعارض نگرش‌ها استخراج شده است. در ادامه به صحبت‌های چند مورد از نمونه‌ها پرداخته می‌شود.

"امروزه توقعات خیلی بالا رفته و اکثر والدین نمیتونن تأمین کنند. در زمان ما که اینطوری نبود. یادمه ما چون تعدادمون زیاد بود مادرم همون لباس‌های خواهرای بزرگ‌ترم رو تن ما می‌کرد یا مثلاً از اقوام نزدیک لباس می‌گرفت برا ما. ولی الان مگه بچه‌ها اینو قبول می‌کنن. این تلوزیون و ماهواره و گوشی خیلی انتظاراتشون رو بالا بردن و ما هم واقعاً کم میاریم دیگه."

"خودم خیلی دوست داشتم درس بخونم بابام نداشت. الان توقع دارم بچه هام درس بخونن مثلاً دوس دارم از همین الان درس بخونن، زرننگ باشن و برن رشته تجربی ولی موفق نیستن تو تحصیل. و به جایی نمیرسن به نظرم. این خیلی منو عصبانی میکنه همش به فکر سرگرمی هستن میگن مارو بفرست کلاس موسیقی. آخه موزیک و موسیقی برای آدم نان و آب میشه."

سنت پیشگی والدین از مقولاتی است که از صحبت‌های نمونه‌های تحقیق استخراج شد. سنت را معمولاً در مقابل مدرنیسم به کار می‌برند و به‌نوعی با شنیدن یکی، منتظر شنیدن دیگری هستیم. پیترو آربورن مدرنیته را نقطه مقابل گذشته‌گرایی، کهنه‌پرستی، رکود، قدیمی بودن، عدم توسعه و سنت قرار داده است. مطابق با نظر ماکس وبر در جوامع سنتی، پدرسالاری و سلطه پدر بر خانواده، تبعیت زنان و وابسته بودن زنان شکل خالص سلطه سنتی است؛ در این خانواده‌ها، بچه‌ها ناتوان‌اند یا طوری

تربیت می‌شوند که به‌حکم وظیفه اطاعت کنند. بدین ترتیب هرچه افراد و در اینجا والدین سنت‌گرا باشند بیشتر به هرم قدرت سنتی پایبند هستند (سیف‌اللهی و سلیمانی، ۱۳۹۰: ۵).

امر اجتماعی انعکاسی از وضعیت اجتماعی هر جامعه است. در دوران گذشته، انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر آسان‌تر صورت می‌گرفت و نتایج فرایند اجتماعی شدن پیش‌بینی پذیر تر بود چرا که نسل نو همراهی با گذشتگان و پیگیری راه آنها را بر خود فرض می‌دانست. به تبع آن، کودکان نیز با بزرگ‌ترها همراه بودند. اما با وقوع فرایند نوسازی به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، تداوم تاریخی و ساختاری نسل‌ها تغییر کرد (زواره و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۰). به موازات این تغییرات اجتماعی، خانواده نیز هم در شکل و هم در محتوا دگرگونی‌های گسترده‌ای یافته است.

شواهدی از همین تقابل سنت و نوگرایی را در مصاحبه‌های این تحقیق یافت. نسل والدین وفاداری و پایبندی خود را به سنت و ارزش‌های سنتی حفظ کرده‌اند و برعکس بسیاری از مؤلفه‌های نوگرایی از طریق وسایل ارتباط جمعی به فرزندان منتقل شده است و این تعارض‌ها و اختلافات را بین این دو نسل تشدید کرده است. آن چیزی که به روشنی از صحبت‌های والدین در این خانواده‌ها به دست می‌آید خانواده در یک فضای سنتی است. در فضای سنتی، درک عمومی از جهان مقدس بوده، هر فرد بخشی از نظام خویشاوندی-عاطفی تثبیت شده است؛ گذشته، طیف وسیعی از روش‌های مرسوم خود را به آینده می‌کشاند، فرهنگ در جامعه و ایده سنتی از پیش تعیین شده است.

در فضای زیسته جامعه سنتی، حق‌گزینش از انسان سلب می‌شود، با یک فضای غیر مشارکتی مواجه هستیم، فرهنگ فردگرایی وجود ندارد. فرزندان چه پسر و چه دختر می‌بایستی فرمانبردار و مطیع باشند. در جامعه ایلام نیز تفاوت‌ها در حوزه روابط بین فرزندان و والدین مشهود است. پذیرا نبودن و مقاومت در برابر تغییر در نزد والدین و پذیرش تغییر را در نزد فرزندان شاهدیم. و این به شکاف و تعارض نسلی انجامیده

است که در مقوله تعارض نسلی در قسمت قبل شرح داده شد. این پابندی افراطی به ارزش‌های گذشته در نزد والدین باعث کاهش فصل مشترک‌های عاطفی و کاهش وفاق و دل‌بستگی فرزندان به والدین و ارزش‌های فرهنگی آنها شده است. در واقع والدین در این جامعه به تبعیت از سنت‌های گذشته یک سبک فرزند پروری استبدادی را بر فرزندان خود اعمال می‌کنند سبکی که در آن شاهد نمایش قدرت والدین هستیم، فرزندان تحت نظارت شدید والدین هستند و شکاف بین والدین و کودکان را بیشتر کرده است. دو مورد از والدین در این باره می‌گویند:

"خودم واقعاً تمام تنبیه‌های مادرم در دوران کودکی یادمه. یادمه از بازوم گاز می‌گرفت اونقد شدید که موقع حمام رفتن، جاش که کبود شده بود رو می‌دیدم. خب این تنبیه‌ها مؤثر بوده تو تربیت ما. الانم با این شرایط خیلی بد آگه ولشون کنیم به امان خدا، خدا میدونه چی بشن در آینده."

"تو زمان ما والدین سالاری بود. واقعاً احترام به پدر و مادر حرف اول می‌زد ولی الان متأسفانه نه. چون شیوه تربیتی اونا بنظم خیلی بهتر بود و جواب می‌داد. ما اصلاً نمیتونستیم تو چشمشون مستقیم نگاه کنیم. بنظم آگه همون شیوه رو ماها هم بکار ببریم خیلی تو آینده بچه هامون کمک میکنه."

نابرابری جنسیتی از مقولات دیگر در شرایط زمینه‌ای کودک‌آزاری در جامعه ایلامی است. بین جنس و جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود دارد که منشأ آن را باید در فرهنگ جست‌وجو کرد. جنس به تفاوت‌های بیولوژیکی زن و مرد اشاره دارد و جنسیت ویژگی‌های شخصی و روانی است که جامعه آنها را تعیین می‌کند. این ویژگی‌ها در فرهنگ و سنت تعریف می‌شوند. هدف بسیاری از رویکردهای فمینیستی اثبات این مسئله بوده است که تفاوت‌های بین دو جنس ذاتی نیست. به‌عنوان مثال فمینیست‌های لیبرال تفاوت بین دو جنس را نتیجه نحوه جامعه‌پذیری و شرطی‌سازی نقش‌های جنسیتی می‌دانند و معتقدند که با پسرها و دخترها تقریباً از لحظه تولد با شیوه‌های متفاوتی رفتار می‌شود که احتمالاً زنان را از پرورش تمامی استعدادهایشان به‌عنوان انسان بازمی‌دارد (ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۸۸؛ هومین فر، ۱۳۸۲: ۹۱).

جرج هربرت مید معتقد است «خود» در فراگرد تجربه و فعالیت اجتماعی رشد می‌یابد و از دو عنصر بنیادی تشکیل شده است: (۱) من فاعلی (۲) من مفعولی. من فاعلی پاسخ ارگانیک به نگرش‌های دیگران است و من مفعولی مجموعه سازمان‌یافته نگرش دیگران به خود است. «خود» از فراگردهای اجتماعی ناشی می‌شود. این فراگردها در جوامعی که نابرابری جنسیتی شاخص مهم آنها قلمداد می‌شود و پیامد آن حاشیه‌ای بودن و فرودست انگاشته شدن زنان است به «خود» و من زنان لطمه‌های عمیق وارد می‌سازد. این نوع تفاوت در جامعه‌پذیری دختران و پسران در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها به صورت‌های گوناگون وجود دارد.

جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی که نوعی از جامعه‌پذیری است در این جامعه پیاده می‌شود این واژه به این امر اشاره دارد که چگونه دختران و پسران امتیازها و رفتارهای مناسب از نظر جنسیتی را که بر نگرش جنسیتی آنها اثر می‌گذارند فرامی‌گیرند. جامعه‌پذیری جنسیتی از خانواده شروع می‌شود و با عوامل دیگری چون نظام آموزشی، رسانه‌ها و گروه همسالان بسط می‌یابد (هومین فر، ۱۳۸۲: ۹۴). بر اساس صحبت‌های والدین و به‌طور خاص مادران، نابرابری در این جامعه با ارجح دانستن جنس مذکر، بر اساس جنس افراد شکل می‌گیرد.

نحوه برخورد این والدین با فرزندان باعث شده است ویژگی‌هایی همچون رقابت، موفقیت، استقلال و... بیشتر از پسرها مورد انتظار باشد؛ بیشتر به پسران توصیه می‌شود برای احقاق حق خود ایستادگی کنند، در عوض از دختران انتظار می‌رود که آرام، مهربان و مراقبت‌کننده باشد و همین باعث انتقال نابرابری از نسل‌های گذشته به نسل بعدی یعنی والدین شده است. بدین ترتیب مادران در این تحقیق به این گرایش‌ها و ارزش‌های فرهنگی در توسعه خشونت آنها توجه داشته‌اند و آن را تابعی از باورهای اجتماعی و فرهنگی که به آنها منتقل شده، می‌دانند. این گرایش و باورها از طریق فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی شکل گرفته است. بنابراین فرد در فرایند جامعه‌پذیری در خانواده و تحت تأثیر روابط درون خانوادگی روحیه خشن کسب کرده‌اند، نابرابری بین دو

جنس را پذیرفته و رفتار امروزی این افراد با فرزندانشان از این مفهوم نشأت گرفته است.

" بنظرم خیلی از این رفتارای ما ریشه در گذشتمون داره بخصوص برا مناطق ما. از بچگی اینو نسل به نسل یاد گرفتیم به جای تشویق بچه مون، اونو با بچه‌های دیگه مقایسه کنیم، به جای اینکه بگیم تو میتونی و... فقط با رفتاری که از قبل یاد گرفتیم تو سرش می‌زنیم بخصوص اگر دختر بچه داشته باشی. خیلی تو خونه محدودشون می‌کنیم. اعتماد نداریم بفرستیمشون بیرون و این چرخه داره نسل به نسل با ما رشد میکنه."

" بنظرم تفاوت بین تربیت دختر و پسر رو رفتاری الان ما خیلی تأثیر گذاشته. ببینید من همسایم رو نگاه می‌کنم یه پسر بچه داره خیلی راحت اونو میفرسته باشگاه، میفرسته خرید، هر جایی میفرسته و اتفاقاً تنهایی هم میفرسته. ولی من خودم هیچ وقت اجازه نمی‌دم دخترم تنهایی جای بره. حتماً باید یکی باهاش باشه یا من یا باباش. خب این همه سختگیری و محدود بودن برای ما که دختر داریم خیلی شرایطمون رو سخت کرده. اتفاقاً شرایط خود دختر رو هم سخت میکنه ولی چه کنیم چیزی بوده از قبلنا بوده به ما هم رسیده."

میل دیگری از جمله مقولات استخراج شده در شرایط زمینه‌ای خشونت علیه کودکان در این تحقیق است. یکی از اصول مهمی که در تئوری روانکاوی لاکان نقش بنیادی دارد مفهوم «دیگری» است. لاکان در تئوری خود از سه نظم صحبت می‌کند که در پیدایش، شکل‌گیری و رشد سوژه نقش مهمی را ایفا می‌کنند اما آنچه در لاکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است جایگاه اساسی «دیگری» در این سه نظم است. به عبارت بهتر این «دیگری» است که سوژه را به وجود می‌آورد و در ابعاد مختلف تئوری لاکان مانند ناخودآگاه، ابژه، تمایل^۱، خود^۲، و تمتع^۳ مطرح می‌شود. لاکان در تئوری خود معتقد است حیات و ماهیت سوژه وابسته به «دیگری» است و در یک کلام سوژه بدون «دیگری» هیچ است (احمدزاده، ۱۳۸۵: ۸).

-
1. desire
 2. ego
 3. jouissance

دیگری شکل‌دهنده و معنا دهنده خود است؛ خود در حضور «دیگری» است که پا به عرصه وجود می‌گذارد. هر آنچه به‌عنوان خود می‌شناسیم دیالکتیک «خود-دیگری» است. «گاهی دیگری» به دلیل مشابهت با سوژه به او آرامش می‌دهد و سوژه به جانبش می‌رود. گاه «دیگری» حاوی چیزهایی است که سوژه فاقد آنهاست و حرکت به جانب «دیگری» از سر فقدان است. گاه «دیگری» اشکالی بالفعل از امکانات سوژه را در خود دارد و سوژه حسرت‌مند در پی کشف و رؤیت ممکنات خود به جانب «دیگری» کشیده می‌شود و بسیاری از حالات دیگر. اما نکته اساسی آن است که در تمام حالات مذکور، یک امر ثابت است: سوژه در فرایند درک «دیگری»، دغدغه درک «خود» یا به تعبیر لاکانی دغدغه درک خود-دیگری‌های روانش را دارد و پیوسته میان خود و دیگری در چرخش و نوسان است (مولودی و عاملی رضایی، ۱۳۹۷: ۱۰۱).

این دیگری در جامعه ایلام و در بین نمونه‌های تحقیق نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. بسیاری از والدین علت بدرفتاری و رفتار خشن با فرزند خود را در مواردی چون ترس از مورد قضاوت قرار گرفتن به‌وسیله دیگران؛ مهم بودن دیگری؛ خشونت به خاطر توجه به حرف دیگران و قضاوت نکردن دیگران می‌دانند این دیگری ممکن است همسایگان، خویشاوندان، دوستان، خانواده همسر و... باشد. سه نفر از نمونه‌های تحقیق در این باره می‌گویند:

"دیگران رو این رفتار ما خیلی اثر دارن. مثلاً تا یه جمع خانوادگی یا آشنا میریم هی بهش میگم بشین، اینکارو بکن، اینکارو نکن، به خاطر اینکه بقیه بگن آفرین چه مادری داره که حرفشو گوش میده. ولی آگه حرف گوش کن نباشه فحشش برا ما پدر مدراس. چون از قضاوت دیگران بدم میاد. وقتی یه رفتاری از بچم بینم که دیگران بگن واای مادرش اینو یادش نداده سریع عصبانی میشم. تا برمی‌گردیم خونه زود بچمو دعوا می‌کنم. در صورتی که بعد باز با خودم فکر می‌کنم یه بچه ۳ ساله هنوز نمیتونه خوب و بد رو تشخیص بده."

خشونت به‌مثابه هنجار روبه‌ای یکی از مقولات این تحقیق در ارتباط با شرایط زمینه‌ای خشونت علیه کودکان است. دورکیم، موضوع و قلمرو جامعه‌شناسی را امر اجتماعی یا واقعیت اجتماعی می‌خواند. مفهوم امر اجتماعی عناصر مختلفی دارد، اما مهم‌ترین عنصر آن از نظر دورکیم، امر اجتماعی‌ای است که باید مانند شیء نگریسته شود و به همین دلیل باید به‌طور تجربی مطالعه شود. دورکیم واقعیت اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: واقعه اجتماعی هرگونه شیوه عمل ثابت‌شده یا ثابت‌نشده‌ای است که بتواند از خارج فرد را مجبور سازد؛ یا اینکه در عین داشتن وجود مخصوص و مستقل از تظاهرات فردی، در سراسر جامعه معینی عام باشد (دورکیم، ۱۳۸۸: ۷۳).

در واقع می‌توان گفت امر یا دستور اجتماعی، چیز یا دستوری نرم است که تحت تأثیر رابطه‌ها قرار می‌گیرد. در ارتباط با افراد دیگر و تحت تأثیر دیگری انجام می‌گیرد. مفهوم بسیار نزدیک با مفهوم واقعیت اجتماعی دورکیم، هنجار^۱ است. هنجار در اصطلاح علم جامعه‌شناسی به یک الگوی رفتاری گفته می‌شود که روابط واکنش‌های اجتماعی را تنظیم می‌کند. اکثریت جامعه خود را به آن پایبند می‌دانند و در صورتی که شخصی آن را رعایت نکند. جامعه او را مجازات می‌کند. بر همین اساس هنجارهای اجتماعی شیوه‌های رفتاری معینی است که در گروه یا جامعه متداول است و فرد در جریان زندگی خود آن را می‌آموزد و به کار می‌بندد و نیز انتظار دارد که دیگر افراد گروه یا جامعه آن را انجام دهند. (رضایی نسب، ۱۳۹۶: ۲۱۸).

بیشتر والدینی که در این تحقیق با آنها مصاحبه صورت گرفته است در پاسخ به این سؤال که چرا نسبت به فرزندان‌شان خشونت و بدرفتاری اعمال کرده‌اند، اظهار داشته‌اند چون از کودکی همین شیوه را در محیط خانوادگی و به‌عنوان الگو از پدران و مادرانشان الگو گرفته‌اند. یا اینکه اطلاعی ندارند در صورت حرف نا شنوی کودکان از چه روش‌های دیگری استفاده کنند؛ در بین اطرافیان و دیگران مهم نیز همین طرز

برخورد با کودکان اعمال می‌شود. به عبارتی خشونت در این جامعه به‌عنوان شیوه‌ای جهت برخورد با مسائل شیوه‌ای جاافتاده است. چون جامعه کوچکی است و به‌نوعی از همه باخبر و مطلع هستند و این روش تبلیغ شده است. در این تحقیق خشونت به‌عنوان هنجار رویه‌ای از زیر مقوله‌های خشونت به‌مثابه روش پذیرفته‌شده، شرایط جنگی منطقه، تأثیر تغذیه بر روحیه، الگوبرداری از دیگران استخراج شده است.

"خیلی از خاطرات گذشته الان تو ذهنم و یا وقتی پدر و مادرم اون خاطرات رو میگن گریه م میگیره. سختی زندگی تو گذشته برا پدر و مادرمون و هم خودمون. همش کار و تلاش که بتونن زندگیشونو بچرخونن. بنظرم چون زندگی راحتی نداشتن نتونستن آرامش خاصی هم داشته باشن تا انتقالش بدن. هی نسل به نسل خشونت در بین ما داره میچرخه."

"شهر ما کلاً پرخاشگریم. به خاطر وجود شرایط جنگی، من خودم را یک قربانی آن زمان می‌دانم."

جدول ۵ - کدگذاری شرایط میانجی خشونت علیه کودکان از منظر والدین

شرایط میانجی	کدگذاری
<ul style="list-style-type: none"> ➤ حرف نا شنوی به خاطر استفاده زیاد از گوشی و اینترنت، نبود تناسب بین محتوای اینترنت و سن کودک، پرخاشگری کودک به دلیل ماندن زیاد در اینترنت، سرگرم شدن بچه‌ها با فضای مجازی، حبس دختران به خاطر شنیدن اخبار منفی از موبایل؛ ➤ عصبانی شدن به دلیل شاغل بودن؛ اشتغال و فشار کارها در منزل؛ فشار کاری بالا در من و همسر؛ ناتوانی در گفتگو با فرزند به دلیل مشغله کاری؛ تخلیه ناراحتی و فشار کاری در خانه؛ شاغل بودن و دور بودن از همسر و دوش کشیدن بار زندگی به تنهایی؛ 	کدگذاری باز
<ul style="list-style-type: none"> ➤ هراس از فضای مجازی، اینترنت و تغییر ارزشی، ➤ تعدد نقش، فشار نقش 	کدگذاری محوری
<ul style="list-style-type: none"> ➤ اینترنت و تغییر عادتواره ➤ تعارض نقش‌های شغلی - خانوادگی 	کدگذاری انتخابی

شرایط میانجی یا مداخله‌گر آن‌هایی هستند که شرایط علی را تخفیف و یا تشدید و یا به نحوی تغییر می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳: ۱۵۳). از این رو می‌توان از دو

عامل اینترنت و تغییر عادت‌واره و همچنین تعارض نقش‌های شغلی - خانوادگی به‌عنوان شرایطی که در تشدید خشونت علیه کودکان در پژوهش حاضر نام برد.

اینترنت و تغییر عادت‌واره: رسانه‌های نوین با توجه به تحولات مختلف فناوری، تجهیزات به‌عنوان حاملان و منتقل‌کنندگان پیام می‌توانند در ساخت فرهنگ عمومی و ارزش‌های مطلوب یا نامطلوب، باورها و افکار عمومی مؤثر باشند. آن‌ها بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی، عقیدتی و ارزشی، امکان حضور در همه نقاط جغرافیایی را پیدا کرده‌اند. مانوئل کاستلز معتقد است حوزه فرهنگ که نظام‌هایی از عقاید، رفتارها و گرایش‌های ارزشی را شامل می‌شود، با ظهور تکنولوژی جدید دستخوش دگرگونی‌های بنیادین می‌گردد و به دنبال آن، ساختار مناسبات و ارتباطات انسانی شکل جدیدی به خود می‌گیرد (Castells, 2002) به نقل از اسماعیلی زاده، (۱۳۹۵).

در دنیایی که به‌طور فزاینده به‌سوی دیجیتالی شدن پیش می‌رود، اینترنت ابزاری پیش‌رونده برای کسب اطلاعات، ارتباطات اجتماعی و سرگرمی است. امروزه با گسترش دسترسی افراد به اینترنت، شاهد نوع جدیدی از اعتیاد یعنی اعتیاد مجازی هستیم که مسئله خاص عصر اطلاعات است. تحقیقات نشان داده است هر چه روابط افراد به‌ویژه کودکان و نوجوانان در جهان مجازی افزایش می‌یابد در مقابل، از دامنه روابط آنان در جهان واقعی کاسته می‌شود؛ ضمن آنکه احتمال لطمه دیدن عملکرد آموزشی نیز وجود دارد (Samson & Keen, 2005: 97). در واقع اینترنت یک رسانه جمعی پنهان است که لایه‌های آن ناشناخته‌تر از رسانه‌های جمعی دیگر می‌باشد. یکی از جنبه‌های مهمی که از فناوری اطلاعاتی ارتباطی تأثیر می‌پذیرد خانواده است.

خانواده ترکیبی از نقش‌هایی است که به‌شدت به یکدیگر وابسته و در تعامل با یکدیگرند؛ اما جریان ارتباطات و موج عظیم اطلاعاتی که توسط رسانه‌های جمعی به آنها منتقل می‌شود، تغییراتی در تعاملات و روابط افراد با یکدیگر به وجود می‌آورد و این امر موجب تفاوت در نگرش‌ها و ارزش‌ها و رفتارهای اعضای یک خانواده می‌شود. می‌توان گفت در جامعه ایلامی و بر اساس صحبت‌های نمونه‌های تحقیق،

اینترنت به پیوستگی خانوادگی یا به عبارتی به روابط منسجم فرزندان با اعضای خانواده آسیب رسانده است. به عبارتی مدت زمانی که فرزندان صرف ارتباط‌های اینترنتی می‌کنند به بهای زمانی تمام می‌شود که فرزندان قبلاً به روابط خانوادگی خود اختصاص می‌دادند و همین امر ارتباط این‌ها را با والدین کاهش داده و به تشنج در روابط خانوادگی ختم شده است.

این والدین در صحبت‌های خود به‌نوعی از فضای مجازی و اینترنت هراس دارند؛ چراکه معتقدند الگوهای استفاده افراطی از اینترنت در فرزندانشان وجود دارد، اعتیاد به فضای مجازی، محتواهای نامطلوب این فضا، استفاده افراطی با محوریت سرگرمی منشأ این هراس و ترس در نظر گرفته شده است. این والدین اذعان دارند فرزندانشان به‌واسطه حضور در این فضا، وقت کمتری را با خانواده می‌گذرانند، فعالیت‌های آموزشی آنها نیز تحت تأثیر قرار گرفته است، حتی غفلت از تغذیه را نیز برای فرزندان به همراه داشته است که این امر منجر به افزایش مجادلات و روابط پرتنش بین هردو شده است. همین امر شکاف و تعارض نسلی را که از مقوله‌های مطرح‌شده در شرایط زمینه‌ای این تحقیق نیز می‌باشد را تشدید کرده است.

بدین ترتیب نتیجه استفاده بیش از حد فرزندان از این فضا و با توجه به صحبت‌های نمونه‌های تحقیق، تغییر دادن سبک زندگی به‌منظور صرف زمان بیشتر در اینترنت، بی‌توجهی به سلامت روحی و جسمی فرزندان، کاهش روابط خانوادگی، مشکلات تحصیلی و... می‌باشد و اعضای خانواده به جای همگرایی به واگرایی روی می‌آورند تا جایی که فضای خانواده تبدیل به یک فضای فیزیکی مشترک شده که تعامل در آن ضعیف است و روابط خشونت‌آمیز جایگزین ارتباطات منسجم و همگرا شده است. در ادامه به صحبت‌های تعدادی از والدین اشاره خواهیم کرد.

"فکر کنم به خاطر وقت زیادیه که تو فضای مجازی میرن و با یه بازیایی خودشون رو مشغول میکنن و رو رفتارشون اثر میداره. تا میگی گوشی رو بردار دیگه، شروع میکنه به حاضر جوابی یا گریه کردن. من دیگه میرم سراغش."

"زمان ما، همش تو کوچه بودیم با هم سن‌های خودمون بودیم. برا شام می‌رفتیم خونه. ولی الان یک یا دو بچه همیشه آورد و کلی وقت والدین رو میگرن و ما تحملمان خیلی ضعیف. بچه‌ها همش تو خونه، همش بازی اینترنتی میخوان براشون دانلود کنیم و سرشون تو گوشی. دیگه مثل قبل نیست انترنشن خالی بشه. همش رو اعصاب ما هستن."

تعارض نقش‌های شغلی - خانوادگی: کلارک^۱ (۱۹۹۷) تعادل کار-زندگی را رضایت و عملکرد خوب در کار و خانواده با حداقل تعارض نقش دانسته است. گارویس و پترسون^۲ (۲۰۰۵) تعادل کار-زندگی را داشتن زمان کافی برای همه تجارب در زمینه‌های کار، خانواده، دوستان، جامعه و... تعریف کرده‌اند. گرینهاوس و بیوتل^۳ (۱۹۸۵) تعارض کار-خانواده را شکلی از تعارض بین نقشی تعریف می‌کنند که در آن، فشار نقش‌ها در حوزه‌های مختلف کار و خانواده به تعارض دوطرفه بین این دو حوزه منجر می‌شود (حبیب پور کتابی، ۱۳۹۷: ۱۲۶).

کار و خانواده دو جنبه مهم زندگی هر فرد را تشکیل می‌دهند؛ سلامت همه‌جانبه هر فردی تحت تأثیر هماهنگی و تناسب این دو حیطه است. وجود ناهمخوانی و تعارض بین این دو حیطه، اغلب پیامدهای ناگواری را نصیب فرد، خانواده، جامعه می‌کند. امروز اکثر تحقیقات و همچنین اکثر متخصصان رفتار سازمانی اعتقاد دارند که اثرات کار زیاد و عدم تعادل مناسب بین کار و زندگی افراد و اثرات نامطلوب آن بر کیفیت زندگی، مجموعه عواملی را به وجود می‌آورد که به صورت متقابل و چندگانه یکدیگر را تشدید می‌کنند و در نتیجه شرایط زندگی و سلامت انسان‌ها و خانواده‌ها را در معرض خطر جدی قرار می‌دهند. به طوری که هم‌زمان با افزایش حضور زنان در بازار اشتغال، بر تعداد زنانی که با مشکلات مربوط به نقش‌های متفاوت مانند همسری، مادری، خانه‌داری و کارمندی مواجه هستند به طور چشمگیری افزایش یافته است.

-
1. Clark
 2. Gurvis and Patterson
 3. Greenhouse and Beutell

این در حالی است که زنان همواره محور خانواده و نقطه کانونی آن محسوب می‌شوند. در جامعه گذشته، زنان اغلب در خانه می‌ماندند و به‌صورت اختصاصی به وظیفه همسری و مادری می‌پرداختند و کار و اشتغال آن‌ها معمولاً در درون خانواده و در کنار همسر و فرزندان انجام می‌شد. اما امروزه زنان علاوه بر نقش همسری و مادری، نقش دیگری را به‌عنوان یک فرد شاغل و در بیرون از خانه و خانواده ایفا می‌کنند. هریک از این دو نقش متفاوت، اقتضائات و الزامات خاص خود را دارد که گاه با یکدیگر قابل جمع نیستند. اگر برای سازگاری این دو نقش تدابیری اندیشیده نشود، هم تنش‌ها و فشارهای روحی-روانی و آسیب‌های جدی بر کار و اشتغال و هم بر خانه و خانواده وارد می‌آید.

در این پژوهش مقوله تعارض نقش‌های شغلی-خانوادگی از زیرمقوله‌های تعدد نقش، فشار نقش در بین والدین و به‌ویژه مادران به‌دست آمده است. نوعی تعارض بین نقشی در بین این والدین مدنظر است که در آن، والدین و به‌طور خاص مادران بین خواست‌های نقش کاری خود و تقاضاهای نقش خانوادگی‌شان ناهمخوانی احساس می‌کنند که این امر به‌نوبه خود به تجربه فشار روحی-روانی در بین این والدین منجر شده است. این والدین نتوانسته‌اند به ایجاد تعادل میان مسئولیت‌های مرتبط با هریک از دو نقش بپردازند و در نتیجه تعارض و فشار نقش در این فرایند به وجود آمده است. زنان به‌طور خاص در این جامعه اظهار داشته‌اند که به دلیل شرایط دشوار خانواده‌شان در تأمین هزینه‌های زندگی، شاغل هستند و یا حتی ساعات کاری خود را نیز افزایش می‌دهند در نتیجه کیفیت زندگی خانوادگی‌شان در حد پایین ارزیابی کرده‌اند. صحبت‌های چند مورد از نمونه‌ها گویای مطلب است.

"من شاغلم از صبح میرم سرکار با ارباب رجوع بحث می‌کنم. بعدش میام باید فکر نهار و کارای خونه باشم. اینم دیگه ول کن من نیست و میخواد باهش بازی کنم. منم واقعاً توانایی ندارم. اکثر روزا با عصبانیت باهش حرف می‌زنم بعضی وقت‌ها هم که گیر می‌دهم می‌زنمش."

"واقعاً الان من و همسرم خیلی بی‌حوصله شدیم. هر دومون سرکار میریم بعد با خستگی میایم خونه دیگه نایی برامون نمیمونه با بچه‌ها حرف بزنینم. دیگه گنجایش اینو نداریم بچه هر حرفی میزنن گوش کنیم. تازه بچه‌ها مهدکودک هم میرن و گرنه دیگه واویلا."

سؤال ۲- عکس‌العمل و واکنش شما و همسرتان بعد از آن برخوردها چه بوده است؟

جدول ۶- کدگذاری نحوه برخورد والدین بعد از خشونت

کدگذاری	راهبردها
کدگذاری باز	<ul style="list-style-type: none"> ➤ گریه و پشیمانی، عذاب وجدان، ناراحتی خودم، غم و گریه، ناراحتی و پشیمانی، به هم ریختن و پشیمان شدن، خشونت به‌عنوان تصمیمی لحظه‌ای، عدم توانایی در فکر کردن، نداشتن تأثیر و حرص خوردن بیشتر، توجه کردن به بچه بعد از رفتار خشن، دفاع شوهر از بچه، ➤ احساس رضایت از عمل، خونسردی شوهر، تنبیه به‌عنوان جزء لازم تربیت، پشیمان نشدن خودم،
کدگذاری محوری	<ul style="list-style-type: none"> ➤ احساس غم، ندامت ➤ خشونت لازمه تربیت، رضایت
کدگذاری انتخابی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ یاس ➤ تنبیه به‌مثابه تربیت

شرایط علی، زمینه‌ای و میانجی منجر به فرایندها و تعاملاتی در بین اعضای خانواده می‌شود. در واقع، تعامل‌ها برای اشاره به تاکتیک‌های راهبردی و طرز عمل‌های عادی و روتین و نیز چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور به‌کار برده می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۳: ۱۵۵). این فرایندها، کنش‌ها و تعاملاتی هستند که در رابطه والدین و فرزندان وقتی که فضای خانواده مناسب نباشد، پیش می‌آیند. در واقع در این پژوهش استراتژی و راهبردهای اتخاذشده توسط والدین در شرایط پرتنش و خشن به مقوله‌های یاس، تنبیه به‌مثابه تربیت، طبقه‌بندی شد. در ادامه به صحبت‌های چند مورد از سوژه‌ها اشاره می‌کنیم.

"واکنش من که ناراحتی و غم و گریه و پشیمانی بوده. هر چی به خودم میگم دفعه بعد دیگه این جور نشم. دیگه داد نزوم، فحشش ندم. ولی فایده نداره. چون لحظه‌ای و در همان لحظه تصمیم می‌گیری. دیگه اینقد عصبی هستی نمیتونی فکر کنی."

"احساس رضایت می‌کنیم هم خودم و هم شوهرم. چون نتیجه میده. باید حساب ببره بالاخره."

سؤال ۳) نتیجه و پیامد این رفتارهای شما چه می‌تواند باشد؟

جدول ۷- کدگذاری پیامد خشونت از دید خانواده‌ها

پیامدها	کدگذاری
<ul style="list-style-type: none"> ➤ کم‌حوصلگی فرزند در آینده، تأثیر بر اعصاب و روان فرزند، پنهان‌کاری، ترس و انزوای بچه، محل آرامش خود شدن، عقده‌ای شدن، پرخاشگری بیشتر، عصبی و پرخاشگر شدن ➤ تندمزاجی و دعوا با همسالان، تلاش برای فرار از محیط خانواده، بی‌زاری از خانواده، یادگرفتن پرخاشگری از والدین، تقلید از رفتار ما، عادی شدن خشونت 	کدگذاری باز
<ul style="list-style-type: none"> ➤ رفتار تهاجمی-پرخاشگرانه در آینده، ترس و پنهان‌کاری ➤ تنفر از محیط خانه ➤ القای خشونت 	کدگذاری محوری
<ul style="list-style-type: none"> پیامد فردی منفی پیامد خانوادگی-اجتماعی منفی 	کدگذاری انتخابی

تعامل‌هایی که پیرامون یک پدیده صورت می‌گیرد منجر به ظهور پیامدهایی می‌شود. از پیامدها و مصادیق آشکار خشونت علیه کودکان در این پژوهش، پیامد فردی منفی و پیامد خانوادگی-اجتماعی منفی می‌باشد. این مقوله‌ها از زیرمقوله‌های رفتار تهاجمی-پرخاشگرانه در آینده، ترس و پنهان‌کاری، تنفر از محیط خانه و القای خشونت به‌دست آمده است.

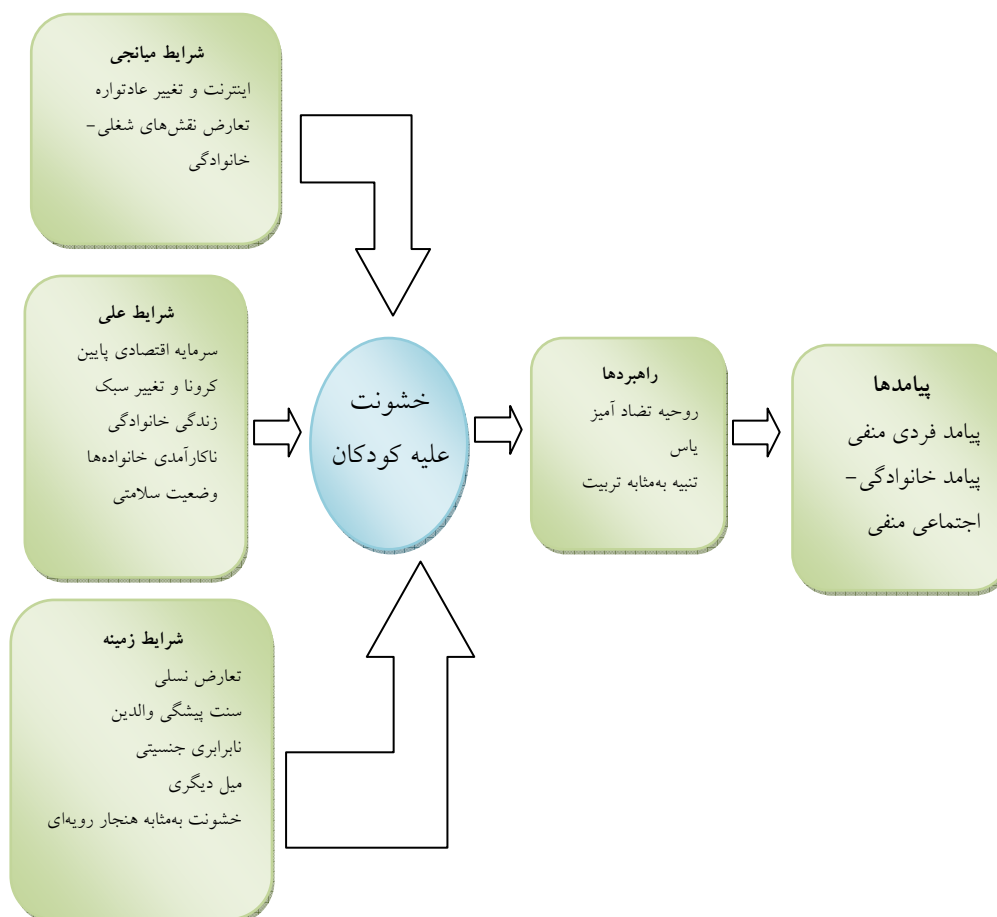
"نتیجه‌اش پرخاشگری بیشتر و یادگرفتن این رفتارهای ما میشه. ممکنه در آینده به عقده براشون تبدیل بشه و باعث بیزاری اونا از خانواده بشه و برای فرار از محیط خانواده دست به هر کاری بزنن. خود من چون همیشه این بدرفتاری‌ها رو در محیط خانواده می‌دیدم، وقتی به سن ازدواج رسیدم با اولین خواستگار رفتم پی زندگیم. الان هم نه اینکه بگم زندگیم خیلی خوبه، ولی اونموقع محیط خانواده‌ام خوب نبود."

"تندمزاجی و اینکه مثلاً تو بازی با دوستشون همیشه دعوا داره. اصلاً سر سازش با دوستاش رو نداره چون این پرخاشگری ما انگار رو روحیه اونم تأثیر گذاشته. این باز باعث عصبانیت بیشتر من میشه."

با توجه به تمامی مقولات از جمله سرمایه اقتصادی پایین، ناکارآمدی خانواده‌ها، تعارض نسلی، نابرابری جنسیتی، میل دیگری، خشونت به‌مثابه هنجار رویه‌ای، تعارض نقش شغلی-خانوادگی و اینترنت به‌مثابه تغییر در عادتواره، درمی‌یابیم که وجه مشترک تمامی این مقولات و مفاهیم تشکیل‌دهنده آنها در شهر ایلام، چیزی است به نام «حرمان ساختاری». بنابراین مقوله هسته با همین عنوان استخراج می‌شود.

معانی مختلفی می‌توان برای واژه حرمان در نظر گرفت. ناکامی، ناامیدی، سرخوردگی، شکست، بی‌بهرگی، محرومیت، منع کردن. حرمان ساختاری در این پژوهش اشاره به ناامیدی و ناکامی از طریق ساختارهای جامعه ایلام به‌ویژه ساختار فرهنگی و اقتصادی دارد. در واقع در اینجا خشونت در پیکر ساختارهای مرتبط به نابرابری و دست‌یابی ناعادلانه افراد در این جامعه به منابع مختلف از جمله قدرت، امکانات مالی، فقر و محرومیت، نداشتن کیفیت زندگی مطلوب، کلیشه‌ها و جامعه‌پذیری نابرابر جنسیتی و مفاهیمی مشابه نمود پیدا می‌کند. بدین ترتیب حرمان ساختاری یعنی بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های عرصه‌های مختلف جامعه از جمله فرهنگ که ریشه تاریخی دارد و توسط قوانین، ارزش‌ها، آداب و رسوم به جامعه امروز منتقل شده است. بسیاری از این امور فرد ارتباط پیدا نمی‌کند و به فرد وابسته نیست.

مدل پارادایمی پژوهش



شکل ۱- مدل پارادایمی پژوهش

بحث و نتیجه

در پژوهش حاضر شرایط یا عوامل مرتبط با خشونت علیه کودکان از منظر خانواده‌ها تحت عنوان «سرمایه اقتصادی پایین»، «کرونا و تغییر سبک زندگی خانوادگی»، «ناکارآمدی خانواده‌ها»، «وضعیت سلامتی» مقوله‌بندی شده است. از مقوله‌های مهم در

تحقیق حاضر، سرمایه اقتصادی پایین است. پور رفیعی (۱۳۹۰)، زینوند مقدم (۱۳۹۰)، یعقوبی دوست و عنایت (۱۳۹۲)، مقصدلو (۱۳۹۵)، حسینی (۱۳۹۶)، داسیلوا و همکاران (۲۰۱۷) نیز در تحقیقات خود به متغیرهای فقر اقتصادی، وضعیت و پایگاه اقتصادی خانواده‌ها، درآمد خانوارها، خانواده‌های حاشیه‌نشین و ارتباط آنها با خشونت خانگی اشاره داشته‌اند.

همچنین این مقوله با مفهوم فشارهای اقتصادی کالینز و کلترانس همسو می‌باشد چرا که از نظر این دو، میزان تعارضات خانواده هنگام فشارهای اقتصادی افزایش پیدا می‌کند. به‌ویژه در میان طبقات پایین جامعه این عامل نقشی عمده ایفا می‌کند. در واقع بخش مهمی از بدرفتاری‌ها علیه کودکان در این خانواده‌ها به مسائل اقتصادی برمی‌گردد. بیکاری و نداشتن درآمد، درآمد کم، توقعات مادی زیاد، ناهمخوانی بین درآمد و هزینه‌ها و... نظام خانواده را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده است. بدین ترتیب وجود مشکلات اقتصادی در خانواده‌ها را نمی‌توان نفی کرد. پایین بودن سطح رفاه در این خانواده‌ها باعث شده این افراد عصبی‌تر شوند. برخورداری از سرمایه اقتصادی (تمکن مالی) نوع ارتباط در بین این خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده و باعث ایجاد بسیاری از مشکلات و شکاف‌ها شده است.

کرونا و تغییر سبک زندگی خانوادگی از مقوله‌های دیگر در این تحقیق است. تحقیقاتی که در زمینه تأثیر کرونا بر افزایش خشونت خانگی انجام شده است تنها قشر زنان را در خانواده به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب کرده‌اند و کودکان مورد غفلت واقع شده است. در این پژوهش کرونا به دلیل تغییراتی که در سبک زندگی خانواده‌های ایلامی ایجاد کرده بود و بعضاً این تغییرات متناقض با شرایط عادی قبل از کرونا می‌باشد و همین امر تنش‌ها و فشارهای روحی-روانی را بر خانواده‌ها ایجاد کرده است. بدین ترتیب این مقوله با توجه به در نظر گرفتن کودکان به‌عنوان جامعه هدف بدیع می‌باشد. افزایش خشونت، هراس، فشارهای اقتصادی-اجتماعی و به عبارتی تغییر سبک زندگی اجباری و محدودیت‌های بی‌سابقه در زندگی این افراد به‌عنوان منبع فشار، علت بسیاری از رفتارهای خشن شده است.

به عبارتی در کنار خانه‌نشینی، مشکلات دیگری چون معضلات اقتصادی و استرس احتمال ابتلا به کرونا هر روز بیشتر و بیشتر خانواده‌ها را تحت فشار قرار داده است. در نهایت این مسائل و تغییر وضعیت باعث شد تا وضعیت روحی و روانی والدین به یک‌باره فرو بریزد و خانواده‌ها با چالش‌های جدیدی روبرو شوند.

ناکارآمدی خانواده‌ها مقوله دیگری است. ذکر این نکته لازم است که رکن اساسی حفظ و پایداری خانواده به نقش‌آفرینی زنان و مردانی متکی است که در سایه تعلیم و تربیت درست، فرزندان صالحی را به جامعه تحویل می‌دهند. این امر میسر نیست مگر آنکه پرورش‌دهندگان این نسل به‌دوراز خشونت و در آرامش و امنیت در کنار هم زندگی کنند اما در جامعه ایلامی با ناکارآمدی خانواده‌ها مواجه هستیم. در تحقیق حاضر مقوله ناکارآمدی خانواده‌ها، مقوله جامعی است که طیف گسترده‌ای از مشکلات و مسائل در درون خانواده‌ها را نشان می‌دهد از جمله مشاجرات خانوادگی، تنش در زندگی (خیانت، اعتیاد)، طلاق، نبود صبر و تحمل، خشونت به‌مثابه ناهنجاری رفتاری کودک.

در این ارتباط و در پیشینه‌های تجربی هرکدام از تحقیقات تنها به یک متغیر و مؤلفه در مورد کودک‌آزاری اشاره داشته‌اند. خوشابی و همکاران (۱۳۸۷) به طلاق والدین، انزوای اجتماعی و عدم حمایت والدین؛ پور رفیعی (۱۳۹۰) به مقوله اعتیاد و سابقه مجرمیت والدین، زینوند مقدم (۱۳۹۰)، به سابقه خشونت در خانواده‌ها، ایسی (۱۳۹۱) به رابطه مثبت همسر آزاری با کودک‌آزاری، مقصود لو (۱۳۹۵) به رابطه طلاق و اعتیاد در خانواده‌ها و کودک‌آزاری؛ داسیلوا (۲۰۱۷)، به تحصیلات کمتر والدین و ناپدیری با افزایش خشونت علیه کودکان اشاره کرده‌اند و از این لحاظ با مقوله ناکارآمدی خانواده‌ها همسو هستند وضعیت سلامتی یکی دیگر از مقولات مطرح شده در شرایط علی این تحقیق است که همسو با تحقیقات مقصود لو (۱۳۹۵) و زینوند مقدم (۱۳۹۰) می‌باشد.

بسیاری از تحقیقات از جمله حبیبی و همکاران (۱۳۹۶)، پور رفیعی (۱۳۹۰) تنها به یک جنبه از سلامتی یعنی جنبه سلامت روحی اشاره کرده‌اند و از بعد سلامت جسمی غفلت کرده‌اند. شرایط زمینه‌ای خشونت علیه کودکان در جامعه ایلام با مقوله‌های «تعارض نسلی»، «سنت پیشگی والدین»، «نابرابری جنسیتی»، «میل دیگری»، «خشونت به‌مثابه هنجار رویه‌ای» دسته‌بندی شد. در ارتباط با مقوله تعارض نسلی، ترکاشوند (۱۳۹۰) به متغیر ارتباط آزار جسمی کودکان با سن مادر؛ و همچنین یعقوبی دوست و عنایت (۱۳۹۲) به ارتباط حمایت اجتماعی-عاطفی ادراک‌شده والدین با خشونت علیه کودک، اشاره کرده‌اند که به‌نوعی می‌تواند با نتایج تحقیق حاضر مشابه باشد.

مقوله سنت پیشگی والدین نیز می‌تواند با نتایج تحقیقات ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۰)، مقصود لو (۱۳۹۵)، انصاری و همکاران (۱۳۹۶)، داسیلوا و همکاران (۲۰۱۷) که تنها به متغیر تحصیلات پایین والدین اشاره کرده‌اند همسو باشد. هرچند که مقوله سنت پیشگی والدین در این تحقیق به ذهنیات والدین و درونی شدن ارزش‌های سنتی در آنها اشاره دارد و تحصیلات فقط می‌تواند جنبه‌ای از این امر را تبیین کند. سایر مقولات مطرح‌شده در شرایط زمینه در نوع خود بدیع می‌باشد. بر اساس مفهوم کنش ارتباطی هابرماس، در موقعیت گفتار آرمانی، قدرت و فشار برنده، استدلال را تعیین نمی‌کند بلکه فقط استدلال برتر پیروز می‌شود.

در حوزه خانواده در صورتی که امکان گفتگوی استدلالی در میان همسران وجود داشته باشد می‌توان سلامت خانواده را انتظار داشت؛ زیرا افرادی که از گفتگو و تعاملات استدلالی با دیگران خودداری می‌ورزند مستعد گرایش به خشونت می‌شوند و همسران و اعضای خانواده که مهارت‌های ارتباطی قوی نداشته و ظرفیت بحث، مذاکره و گفتگو را در خصوص موضوعات گوناگون ندارند رابطه پرتنش را تجربه می‌کنند که محصول آن نارضایتی، بدبینی و خشونت است. این در حالی است که بر اساس صحبت‌های نمونه‌های تحقیق، توجه به راه و رسم گذشتگان و الگوبرداری از شیوه‌های

تربیتی آنها، امکان به وجود آمدن شرایط کنش مطلوب ارتباطی را از خانواده‌های ایلامی گرفته است.

همین عدم کنش ارتباطی منجر به فقدان فهم متقابل در بین والدین و فرزندان شده است. بایستی به این نکته اشاره کرد که تضعیف فضای گفتگو و تعامل در بین این خانواده‌ها، فقط یکی از مفاهیم موردنظر در ارتباط با سنت پیشگی والدین می‌باشد. یکی دیگر از مفاهیم مطرح شده از صحبت‌های والدین که در ارتباط با مقوله سنت پیشگی است، وجود قوانین دستوری و تجویزی در بین پدر و مادرها است و دائم مشغول امرونهی کردن فرزندان‌شان هستند و همین قوانین تجویزی مانع ایجاد رابطه صحیح بین این افراد شده است. همچنین بر طبق مفهوم انتقال بین نسلی کالینز و کلترانس، تعارضات خانوادگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. مقوله نابرابری بر اساس صحبت‌های نمونه‌های تحقیق نیز این فرایند جامعه‌پذیری، گرایش‌ها و هویت جنسی را در آنها درونی کرده و آن را به فرزندان خود نیز انتقال می‌دهند و این باعث دائمی شدن سلطه جنس مذکر در این جامعه و مطیع بودن دختران شده است.

بدین ترتیب خود والدین گرایش‌های جنسیتی را درونی می‌کنند و به افراد انتقال می‌دهند. همچنین بر اساس مفهوم و نظریه یادگیری اجتماعی می‌توان این‌چنین تبیین کرد که هنگامی که خانواده‌ها در بستر تعاملات اجتماعی خشونت‌آمیز قرار گیرند، و به‌نوعی شاهد خشونت در جامعه و محیط اطرافشان باشند یا اینکه در دوران کودکی مورد خشونت قرار گرفته باشند، احساس می‌کنند که خشونت یک ابزار قابل قبول برای حل تعارضات می‌باشد و احتمال اینکه این رفتار را مورد تقلید قرار دهند و الگوسازی کنند، زیاد است. مفهوم خشونت به‌عنوان خرده‌فرهنگ نیز به این اشاره دارد در برخی از وضعیت‌ها یک پاسخ خشونت‌آمیز، یک پاسخ خرده‌فرهنگی است که در آن خرده‌فرهنگ یک پاسخ هنجارمند است.

بسیاری از صاحب‌نظران از جمله ولف کانگ و فرراکیوت معتقدند که استعداد خشونت در افراد دارای یک خرده فرهنگ متفاوت است زیرا خشونت به‌عنوان عوامل

روان‌شناختی که افراد یک خرده فرهنگ به کار می‌گیرند نیز، وابستگی دارد. این دو مفهوم با یکی از مقولات استخراج‌شده در این تحقیق با عنوان خشونت به‌عنوان هنجار رویه‌ای ارتباط نزدیک دارد. «اینترنت و تغییر عادتواره»، «تعارض نقش‌های شغلی-خانوادگی»، مهم‌ترین مقوله‌های در نظر گرفته شدن در شرایط میانجی خشونت علیه کودکان در این تحقیق می‌باشد. که در سایر تحقیقات به این مقولات در ارتباط با کودک‌آزاری در خانواده‌ها اشاره نشده است.

با در نظر گرفتن ارتباط میان مجموعه عوامل مطرح‌شده در شرایط علی، زمینه‌ای و میانجی می‌توان مقوله هسته «حرمان ساختاری» را استخراج کرد. منظور از ساختار نظام ترتیبات اجتماعی است کلانی است که نحوه تعامل افراد و گروه‌ها در داخل نظام اجتماعی را شکل می‌دهند. ناامیدی و ناکامی ساختاری اشاره به ناکامی دارد که در بطن ساختارهای جامعه ایلامی (در اینجا ساختارهای فرهنگی و اقتصادی) وجود دارد. ساختارهایی که فراتر از وجود انسان‌ها و افراد این جامعه وجود دارند و بر عملکرد آنان یعنی رفتار خشونت‌آمیز، تأثیر قابل‌توجهی گذاشته است؛ اما درعین حال خود به‌نوعی محصول کنش‌های انسانی نیز هستند و از گذشته تاکنون در این جامعه در حال بازتولید هستند.

بدین ترتیب ساختارها به‌ویژه در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی در جامعه ایلام دارای کژ کارکرد هستند و انواع فشارهای روحی-روانی و در نهایت انواع رفتارهای خشونت‌آمیز در این جامعه از سوی این‌ها بر افراد و خانواده‌ها تحمیل می‌شود. تداوم خشونت در این جامعه و در بین خانواده‌ها، علاوه بر گسترش خشونت در جامعه مانع تحقق اهداف فردی کودکان نیز می‌شود. گستردگی پدیده خشونت در این استان با توجه به گسترش آسیب‌های اجتماعی و ردپای متغیر خشونت به‌عنوان علت در اکثر این آسیب‌ها نشان می‌دهد که خشونت امری خصوصی نیست بلکه یک مسئله عمومی است و عمومیت داشتن آن به قول امیل دورکیم به لحاظ اجتماعی بودن آن است. بعیارتی خشونت در عمق رویه‌های فرهنگی و روابط اجتماعی این استان ریشه دارد.

پیشنهاد‌های پژوهش

تلاش جهت نهادینه کردن فرهنگ گفتگو در داخل خانواده‌ها یک اقدام ضروری است. ارتباط نزدیک، گفتگوی صمیمانه و رفع مشکلات با گفتگو از بهترین راه‌حل‌ها رسیدن به تفاهم در میان خانواده‌های ایلامی می‌باشد. در این زمینه خانواده، مدارس و دانشگاه‌ها و گروه‌هایی مانند مددکاران اجتماعی از مهم‌ترین نهادها و کادرها جهت ارتقای این مهارت یعنی حل مسائل و اختلاف می‌باشند. یکی از نتایج مهم این تحقیق سابقه خشونت در خانواده‌ها یا به عبارتی خشونت به‌مثابه هنجاری رویه‌ای بوده است در این زمینه مددکاران اجتماعی بایستی مداخلات، پژوهش‌ها و پیگیری‌های مستمر خود سعی در اصلاح قوانین و فرهنگ جامعه ایلامی با هدف پیشگیری از اعمال چنین خشونت‌هایی داشته باشند.

پیشنهاد می‌شود مرکزی تخصصی در شهر ایلام با عنوان حل مسائل و اختلافات غیر قضایی با محوریت مداخله مددکاران اجتماعی به‌منظور کاهش تنش‌های خانوادگی ایجاد شود. در نهایت والدین بایستی تعادل بین کار و نقش مادری-پدری را برقرار کنند. حجم بالای ساعت کاری پدر و مادر از چالش‌های اصلی در این خانواده‌ها می‌باشد. فعالیت‌های کاری بیرون از منزل و خستگی ناشی از امور و فشارها و تنش‌های شغلی، محیط خانواده را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است. خانواده‌ها در جامعه ایلام کمتر به نیازهای روحی و اجتماعی فرزندان خود توجه دارند و بیشترین تمرکز و تلاششان برای تأمین نیازهای اقتصادی فرزندان است. پیشنهاد می‌شود متولیان امر برای رفع دغدغه مالی و اقتصادی خانواده‌ها اقدامات لازم انجام دهند.

منابع

- ابوت، پاملا و والاس، کلر. (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- ایسی، خدیجه. (۱۳۹۱)، «کودک‌آزاری: بررسی پاره‌ای از علل و پیامدهای آن (مورد مطالعه: دختران دبیرستانی شهر اهواز)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- احمدزاده، شیده. (۱۳۸۵)، تئوری «دیگری» در نقد روانکاوی لاکان، چهارمین همایش ادبیات تطبیقی، تهران.
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۹۳)، اصول روش تحقیق کیفی (نظریه‌مبنایی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم.
- اسماعیلی زاده، وحیده. (۱۳۹۵)، «بررسی آسیب‌های اجتماعی فضای سایبری (اینترنت) در خانواده»، فصلنامه دانش انتظامی ایلام، سال پنجم، شماره ۱۷: ۷۲-۹۲.
- بوردیو، پیر. (۱۳۹۳)، تمایز، نقد اجتماعی و قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث، چاپ سوم.
- پور رفیعی، سحر. (۱۳۹۰)، کودک‌آزاری و عوامل مؤثر بر آن در منطقه جنوب شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- تاج‌بخش، غلامرضا. (۱۳۹۹)، «واکاوی سبک نوین زندگی در عصر پسا کرونا»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره دهم، شماره ۳۵: ۳۴۰-۳۶۰.
- ترکاشوند، فاطمه؛ جعفری، فاطمه؛ رضاییان، محسن و شیخ فتح‌اللهی، محمود. (۱۳۹۱)، «بررسی شیوع کودک‌آزاری و برخی عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر آن در دانش‌آموزان مقطع سوم راهنمایی شهر زنجان در سال ۱۳۹۰»، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره دوازدهم: ۴۴۷-۴۶۰.
- جانعلیزاده چوب‌بستی، حیدر؛ سلیمانی بشلی، محمدرضا. (۱۳۹۰)، «شکاف نسلی: توهم یا واقعیت»، مجله جامعه‌شناسی جوانان، دوره اول، شماره ۱: ۶۳-۹۹.
- حاجی‌زاده، انور؛ عزیزی، قادر و کیهان، جواد. (۱۴۰۰)، «تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های آموزش مجازی در دوران کرونا: رهیافت توسعه آموزش مجازی در پسا کرونا»، فصلنامه تدریس پژوهی، دوره نهم، شماره ۱: ۱۷۴-۲۰۴.

- حبیب پور گتایی، کرم. (۱۳۹۷)، «تعارض نقش زنان در خانه و کار: ماهیت و پیامدها»، فصلنامه مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان، سال شانزدهم، شماره ۲: ۱۲۵-۱۶۶.
- حبیبی، سمیرا؛ گوهری مقدم، مریم. (۱۳۹۶)، «پیشگیری از کودک‌آزاری و درمان آن»، فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره سوم، شماره ۲: ۹۵-۱۰۵.
- خوشابی، کتابیون؛ حبیبی عسگرآبادی، مجتبی؛ فرزاد فر، زینب و محمدخانی، پروانه. (۱۳۸۷)، «میزان شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره هفتم، شماره ۲۷: ۱۱۵-۱۳۵.
- دانش، پروانه؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا و عبداللهی، عظیمه. (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران»، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۳: ۱-۳.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۸)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی‌محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
- رزاقی، نادر؛ اسلامی، اصلی. (۱۳۹۴)، «مطالعه کیفی علت‌های تعارض در خانواده»، فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، سال دهم، شماره ۳۲: ۵۳-۷۲.
- رضایی نسب، زهرا. (۱۳۹۶)، مطالعه کیفی پدیده خودکشی زنان شهر ایلام (با تأکید بر خودسوزی). رساله دکترا رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا.
- زواره، انسیه؛ شکر بیگی، عالیه و آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۶)، «مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات گفتمانی نسل‌های سه‌گانه خانواده ایرانی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره یازدهم، شماره ۱: ۶۹-۹۱.
- زینوند مقدم، عزیز الله. (۱۳۹۰)، بررسی علل و عوامل خشونت علیه کودکان و نوجوانان در استان خوزستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور.
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۹۳)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ بیست و سوم.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله؛ سلیمانی، مهشید. (۱۳۹۰)، «بررسی جامعه‌شناختی چالش‌های سنت‌گرایی و نوگرایی در ایران طی ۱۳۷۸-۱۳۸۸ زنان استان چهارمحال و بختیاری»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸: ۲۴-۴۱.
- طالب پور، اکبر؛ کریمی فر، نرمین. (۱۳۹۸)، «مطالعه تطبیقی خشونت علیه زنان در مناطق کردنشین ایران و عراق»، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، دوره هفدهم، شماره چهارم: ۱۳۱-۱۶۲.

تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه...، رضایی نسب و فیض‌اللهی | ۱۶۹

- عباسی، مریم. (۱۳۹۵)، مطالعه کودک‌آزاری از نظر ریز سیستم خانواده و عوامل مرتبط با آن (با تأکید بر مداخلات مددکاری اجتماعی)، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- غباری بناب، باقر؛ راقیان، رؤیا. (۱۳۹۶)، «آموزش صبر به کودکان برای ارتقای سلامت معنوی آنان»، فصلنامه فرهنگ و ارتقای سلامت، دوره اول، شماره ۱: ۴۹-۵۸.
- فراهانی، محمد نقی؛ کرمی نوری، رضا. (۱۳۹۴)، «مفهوم سلامت و بیماری در فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا: یک پژوهش بین فرهنگی»، فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی، دوره نهم، شماره ۴: ۱-۱۰.
- گنج بخش، محمود. (۱۳۹۹)، «شناسایی سبک زندگی نوین در مواجهه با ویروس کرونا»، فصلنامه حکمرانی متعالی، سال اول، شماره ۲: ۱۲۹-۱۶۱.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۸)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی، چاپ چهاردهم.
- محمد پور، احمد. (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی ضد روش؛ مراحل و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی، تهران، جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
- محمدی، حمید؛ مالکی، اسدالله. (۱۳۹۹)، «بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین ابعاد فقر نسبی و خشونت در بین خانواده‌های شهرستان خوی»، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی، سال سیزدهم، شماره ۴۸: ۱-۲۶.
- مقصود لو، مریم. (۱۳۹۵)، بررسی فراوانی کودک‌آزاری و عوامل مؤثر بر آن در کودکان شهر اراک، رساله دکترای حرفه‌ای، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اراک.
- مکیان، سید نظام‌الدین؛ لطفی، عزت‌الله. (۱۳۹۴)، «علل اقتصادی خودکشی (مطالعه موردی اقتصاد ایران)»، مجله سیاست‌گذاری اقتصادی، سال هفتم، شماره ۱۳: ۱۶۳-۱۸۶.
- مولودی، فواد؛ عاملی رضایی، مریم. (۱۳۹۷)، «دیگری به‌مثابه خود: ارتباط شمس و مولانا از دیدگاه ژاک لکان»، دو فصلنامه ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، سال نهم، شماره ۱۷: ۹۵-۱۱۴.
- نوابخش، مهرداد؛ قجاوند، کاظم. (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل مؤثر بر خشونت مردان معتاد علیه زنان باردار»، فصلنامه اعتیاد پژوهی، دوره دوم، شماره ۸: ۵-۳۲.

- هابرماس، یورگن. (۱۳۷۷)، «کنش ارتباطی، بدیل خشونت»، ترجمه: ابراهیم سلطانی، ماهنامه کیان، سال هشتم، شماره ۴۵: ۱-۱۴.
- هومین فر، الهام. (۱۳۸۲)، «تحول جامعه‌پذیری جنسیتی»، فصلنامه پژوهش زنان، سال سوم، شماره ۷: ۸۹-۱۱۳.
- واعظی، کبری. (۱۳۹۵)، «تجربه زیسته کودکان پیرامون خشونت خانگی»، فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، دوره پانزدهم، شماره ۵۸: ۱۱۳-۱۳۱.
- یعقوبی دوست، محمود؛ عنایت، حلیمه. (۱۳۹۲)، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان»، فصلنامه زن و مطالعات خانواده، سال چهارم، شماره ۱۴: ۱۴۳-۱۷۲.
- یکه کار، شیرین؛ آقابخشی، حبیب و حسینی حاجی بکنده، سید احمد. (۱۳۹۸)، «زمینه‌های اجتماعی خشونت علیه زنان»، فصلنامه مددکاری اجتماعی، دوره هشتم، شماره ۳: ۴۹-۵۹.

- Fayaz, E. (2019). Child Abuse: Effects and Preventive Measures. *International Journal of Indian Psychology*, 7 (2), 871-884.
- Glaser, B.G. & Strauss, A. (1967). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Chicago: Aldine publishing.
- Jellen, L. K. (2001). "Child Emotional Maltreatment: A 2 Year Study of US Army Cases", *Child abuse Neglect*, 2 (35): 623-639.
- Samson Jeri, Keen Beth. Internet Addiction. 2005. [Last accessed on 2009 July 8]. Available at URL: <http://www.islamonline.net/English/Science/2005/11/article04.shtml>.
- Strauss, A. & Corbin, J. (2012). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, 2nd ed. Sage Publications.
- Viner, R. M., Russell, S. J., Croker, H., Packer, J., Ward, J., Stansfield, C., ... and Booy, R. (2020). School closure and management practices during coronavirus outbreaks including COVID-19: a rapid systematic review. *Lancet Child Adolesc Health*; 4 (5): 397-404.

استناد به این مقاله: رضایی نسب، زهرا و فیض‌اللهی، علی. (۱۴۰۱). تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه کودکان در شهر ایلام. فصلنامه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۹ (۳۱)، ۱۱۹-۱۷۰.



Social Work Research Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.